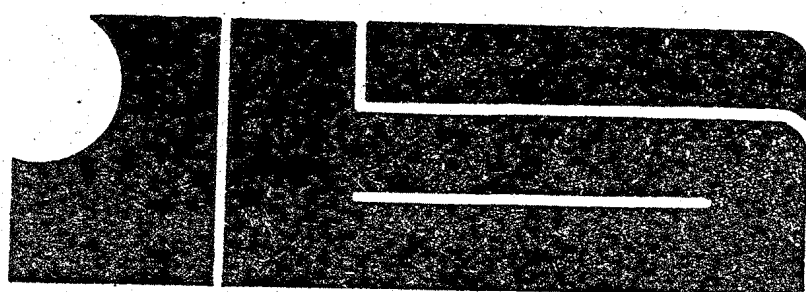


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



با تمام توان خود ماهیت
ارتجاعی جنگ را افشا و با
مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۲ صفحه - ۲۰ ریال

پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۰

جنگ و بهره‌برداری سرمایه‌داران از آن

اختلافات ترقی و مرزی و غیره کشورهای مختلف را بجان هم می‌اندازند تا بازاری برای سلاح‌ها (که یکی از مهمترین منابع و خروج از بحران تولید اضافی کشورهای امپریالیستی بوده است) و دیگر کالاها را بیابند و از سوی دیگر بقیه در صفحه ۴

آنها برای پیشبرد اهداف خود و کسب هر چه بیشتر سود از روش‌های مختلفی سود جستند و به شیوه‌های گوناگون کوشیدند بهره‌کشی را بحد اکثر ممکن برسانند. تبلیغ و تحمیق، سرکوب و ارعاب و حتی توسل به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها از جمله دامن زدن به نفاق افکنی و

سرمایه‌داران از کارگران همواره خواسته‌اند تا شب و روز کار کنند و حاصل کار خود را به آنان تحویل دهند تا آنها با انباشتن بهره‌ها و سودهای کلان که همانا بخشی از دسترنج کارگران است بر حجم سرمایه‌شان بیفزایند و قدرت و قوتشان برای بهره‌کشی بیشتر افزایش یابد.

بر مقاله

چه کسانی از جنگ ایران و عراق سود می‌برند؟

با گذشت بیش از سه هفته از جنگ گسترده دولتهای ایران و عراق از هم اکنون تا حدی عواطف و نتایج جنگ بیتکارانه این جنگ آشکار شده است جنگی که برای توده‌های زحمتکش هر دو کشور جزا نبوهی گشته و زخمی ویرانی و خانه‌خرابی، آوارگی و درب‌دردی نتیجه‌ای نداشته است.

ارتش‌های ضد خلقی ایران و عراق همه روزه با صدور اعلامیه‌های بی‌دریسی شاهکارهای خود را بنام پیش‌نگذارند. جنده نفرکشته، صدها نفر زخمی، بمباران فلان منطقه، انهدام فلان کارخانه و بهمان تاسیسات، و به توپ و راکت و موشک بستن شهرها و روستاها... هر روز اخبار و گزارشهای تازه‌ای از بمباران مناطق مسکونی، حمله موشکی به شهرها، کشتار توده‌های بی‌دفاع هزاران نفر از توده‌های زحمتکشی که خانه و زندگی خود را رها کرده و دربدر شهرهای دیگر شده‌اند، منتشر میشود.

چه کسانی از این همه فاجعه و از این جنگ غنا بیتکارانه سود می‌برند؟ کدام منافع و کدام جاه طلبی‌هاست که آتش جنگ را برافروخته است؟ روشن است که توده‌های زحمتکش ایران و عراق هیچگونه منافعی در این جنگ نداشته و هیچگونه دشمنی هم با یکدیگر ندارند. خلقهای ایران و عراق هر دو خلقهای تحت ستمی هستند که در جنگ‌الاسارت با روابستگی استثمار، فقر و محرومیت گرفتارند.

منافع مشترک خلقهای ایران و عراق جای هیچگونه دشمنی در میان آنها نیست نمیگذارد. دشمن مشترک آنها امپریالیسم جهانی و پانگناه داخلی آن، سرمایه‌داران بقیه در صفحه ۲

جنگ و تشدید جواخنتاق

صفحه ۹

سیاست نزدیکی به امپریالیستهای اروپائی و "ژاپن" تحت عنوان مبارزه ضد امپریالیستی

روزنامه انقلاب اسلامی در سرمقاله روز شنبه ۱۲ مهرماه از اروپا و ژاپن می‌خواهد که با حمایت از ایران در جنگ بین دولتهای ایران و عراق خود را از یوغ آمریکارهایی بخشند.

این روزنامه می‌نویسد "ادامه این جنگ به ضرر ژاپن و اروپا، هم در زمین استقلال و هم در زمینه اقتصاد خواهد بود. زیرا که نفت را باید گرانتر بخرند، چون تولید کاهش پیدا کرده و بیمه نیز خیلی افزایش یافته است. بنا بر این ژاپن و اروپا می‌توانند از این وضع در جهت آزادی و استقلال ورهایی از ابر قدرت آمریکا بهره‌برند. بنا بر این بر اروپا و ژاپن است که از جنگ تحمیلی که برای ایران وارد شده حمایت کنند."

روزنامه انقلاب اسلامی و آقای رئیس جمهور که نمایند هوسخنگوی بخشی از لیبرالهای ایران هستند که از تقویت پیوندها و مناسبات با امپریالیستهای اروپائی و ژاپن پشتیبانی می‌کنند در فرصتی که پیش می‌آید این خواست و تمایل واقعی خود را به اشکال مختلف بیان می‌دارند.

آنها بر اساس این حکم پوچ بومی معنا که امپریالیستهای اروپائی و ژاپن خود تحت سلطه و استثمار هستند و بنا بر این این در ذات آنها تمایلات ستمگرانه و غارتگرانه وجود ندارد، خواستار صدور سرمایه‌های امپریالیستی اروپا و ژاپن بایران و تقویت مناسبات با این دولت‌ها هستند. بقیه در صفحه ۲

چگونه "قهرمانان مبارزه ضد امپریالیستی" دست‌همدیگر را رومی‌کنند!

صفحه ۵

در این شماره:

● اخبار کارگری

● اخبار کردستان و خوزستان

● رهنمود به "بساطی‌ها"

● مسأله دک‌داران

هموطنان مبارز!

بعلاشکالات فنی که در شرایط کنونی بر سر راه انتشار "کار" در روزهای سه‌شنبه وجود داشت تاریخ انتشار نشریه به روزهای پنج‌شنبه تغییر یافت و از این پس نشریه "کار" در روزهای پنج‌شنبه منتشر خواهد شد.

تنها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

چه کسانی از جنگ ایران و عراق سود می برند

وابسته هردو کشور است. بقیه از صفحه ۱

هنگامی که بدستور رژیم ضد خلقی و ارتجاعی عراق و ارتش مزدورش شهرها و روستاهای مناطق مرزی ایران به کلوله بسته میشود، مراکز و تاسیسات صنعتی و تولیدی بمباران میگرددند و شهرها و مناطق مسکونی زحمتکشان ایران به موشک بسته میشود، زحمتکشان عراق به منافعی در این اقدامات جناستکارانه درندونه تمایلی. و متقابلاً کارگران و زحمتکشان ایرانی که خود در معرغی بمبارانهای وحشیانه رژیم عراق قرار دارند، به هیچوجه اجازه نمیدهند و هیچگونه علاقه و منافعی ندارند که رژیم جمهوری اسلامی اقدامات مشابهی را علیه کارگران و زحمتکشان عراق انجام دهند. نه خواست و تمایل زحمتکشان عراق است که رژیم ضد خلقی عراق در پی جاه طلبیها و توسعه طلبیهای خود به شهرها و روستاهای ایران حمله کند و آنها را به تصرف خود درآورد و نه خواست زحمتکشان ایران، کم ارتش ایران در پی جاه طلبیهای هیئت حاکمه، عراق را به تصرف آورد.

برای توده ها هزحمتکش هردو کشور، فقر و خانه خرابی، گرانی و بیکار روی هزاران فشار خردکننده ناشی از جنگ. این جنگ در منطقه خلیج فارس و خاور میانه نیز به نفع رژیمهای بغایت ارتجاعی و سراسر سپرده منطقه نظیر، مصر، عربستان و دولت صهیونیستی اسرائیل تمام شده و موضع آنها را تقویت میکند. این جنگ همچنین زمینه را برای مداخلات مستقیم تروهمه جانبه ترا میریالیستها در منطقه خاور میانه فراهم می آورد. پس می بینیم که از جهات مختلف این جنگ، جنگی عادلانه و انتقالی نیست، نه خلقهای تحت مستم منطقه بلکه ضد خلق از آن سود می برد.

اما جنگ دولتهای ایران و عراق که با رطابت فرسایشی را بتوده های زحمتکش دو کشور تحمیل می کند، در بطن خود نابودی این دو رژیم را می پروراند البته نمی توان منکر شد که در آغاز جنگ در شرایطی که شوراساسنا سیونالیستی توده ها را فرا گرفته و بورژوازی دو کشور می گوشت، از آن به بهترین وجه به نفع خود استفاده کند، هنوز خطری جدی متوجه این دولتها نیست اما به مرور تحت فشار جنگ و افزایش بارناشی از بحران، این دو حربه در هم می شکنند و برنا رضایتی توده های زحمتکش هردو کشور می آید. جنگ تضادهای طبقاتی را از میان نمی برد و هر روز با گسترش بحران و ادامه جنگ این تضادها تشدید خواهد شد. فشار ناشی از جنگ و زندگی و تجربه روز مزره کارگران و زحمتکشان هر روز حقا یقین بیشتری را برای آنها روشن خواهد ساخت و برآگای آنها خواهد افزود.

پس چه کسانی میتوانند از این جنگ جنایتکارانه سود برند؟ تنهها سرمایه داران وابسته ایران و عراق و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از این جنگ سود برده و میبرند. سرمایه دارانی که در شرایط کمبود کالاها و ما یحتاج توده های مردم با زیررروتی برای کالاهای خود و کسب سوره های کلان یافته اند، آنان که کالاهای خود را بچند برابر قیمت واقعی آن میفروشند و کارگران را و امیدارند که بیشتر کارکنند و کمتر مزد بگیرند، مزدوران وابسته با امپریالیسم ژنرال های سرسپرده ارتش، مالکین زمینداران بزرگ، اینها در زمره کسانی هستند که بیشترین سود را از این جنگ میبرند. از سوی دیگر امپریالیستهای که اکنون شیخ نشین های خلیج فارس را تبدیل به انبار کالا برای مدوریا ایران نموده اند و کارخانه های اسلحه سازی شان تطعات بدکی ولو ازم و ابزار و تجهیزات جنگی صادر میکنند، انحصاراتی که آماده اند تا بجمع پایان جنگ با صدور سرمایه های خود، غارت و استثمار خلقهای تحت ستم ایران و عراق را دو چندان کنند و پروا بستگی اسارت با این دو کشور بیافزایند، در زمره کسانی هستند که از جنگ سود می برند.

جنگ، دولت ایران و عراق را در منحلای بحرانی فرو خواهد برد که هیچیک به آسانی قادر به نجات از آن نیستند بحران اقتصادی که بویژه دولت ایران با آن روبروست از آنجانب عمق و ژرفای برخورد را خواهد شد که بی نظیر خواهد بود. جنگ علیرغم تمام نتایج اش دولتهای ایران و عراق را با یک بحران سیاسی عظیم روبرو خواهد ساخت و تضاد در با لایها را تشدید خواهد کرد. بویژه در ایران که در روزهای نخستین جنگ، تضادهای درونی هیئت حاکمه تحت تاثیر منافع مشترک آنها تا حدودی تخفیف یافته بود، با ادامه جنگ و رشد ناراضا بتی توده ها، بویژه بر سرآدامه یا توقف جنگ و شیوه برخورد به آن تشدید خواهد شد. این تضادها هم اکنون نیز شکل پوشیده در جریان است و در همین مدت، گهگاه به شکل آشکار بروز کرده است. نمونه آن تلاش

سیاست نزدیکی به امپریالیستهای...

روشن است که سرمایه مالی مرزها را در هم شکسته و پیوند سرمایه های امپریالیستی و کارتلها و تراستهای بین المللی و بلوک های امپریالیستی، تشکیل شرکت های چند ملیتی و غیره از جمله مواردی است که هرگونه دروغ پردازی نمایندگانی سرمایه داران را کاملاً افشا می کنند.

زحمتکشان آگاه میهن ما اکنون بخوبی آگاهند که با نیکداران و صاحبان صنایع اروپائی و ژاپنی که اکنون برای این کشورها حکومت می کنند، شریک و همدست سرمایه داران آمریکائی هستند، آنها مشترکاً خلقهای تحت ستم را استثمار و غارت می کنند. تنهها اختلاف و دعوی آنها بر سر این مسئله است که چه کسی بیشتر از این چپاول و غارت سهم ببرد. هر کارگر آگاهی بخوبی می داند که صنایع مونتاز و وابسته به امپریالیسم انگلیس، فرانسه، آلمان و ژاپن کمتر از صنایع وابسته به سرمایه امپریالیسم آمریکا، آمریکا، امپریالیستهای اروپائی و امپریالیسم ژاپن همگامی دشمنان خلقهای تحت ستم جهانند. ببند کشیدن، استثمار و غارت خلقهای جهان هدف تمامی امپریالیستهای جهان است. انحصارات ژاپنی نیز همانند انحصارات آمریکا ژاپنی و ژاپنی هدفی جز غارت و چپاول کشورهای تحت سلطه و سهم بیشتر از این چپاول و غارتگری ندارند.

از این گذشته اکنون بر همگان

البته این شیوه برخورد از جانب بخشی از سرمایه داران ایران و نمایندگان آنها در شرایطی که موج مبارزات ضد امپریالیستی توده ها مدام اوج می گیرد امپریالیسم آمریکا بعنوان سرکرده امپریالیستها زیر ضربات توده های زحمتکش میهن ما قرار گرفته و کاملاً افشا شده است، جای تعجبی ندارد، اکنون سرمایه داران می کوشند که با توجه به جو ضد امپریالیستی حاکم بر جامعه به تحمیل توده ها بپردازند و چنین انمود کنند که گویا تنها امپریالیسم آمریکا دشمن همه خلقهای جهان است در حالیکه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی نه تنها تحت ستم و استثمار این قدرتها قرار دارند، بلکه دوستان و حامیان خلقهای تحت ستم جهان از جمله خلق تحت ستم ایران هستند. در حالیکه واقعیت اینست که همه امپریالیستها عم از امپریالیسم آمریکا، امپریالیستهای اروپائی و امپریالیسم ژاپن همگامی دشمنان خلقهای تحت ستم جهانند. ببند کشیدن، استثمار و غارت خلقهای جهان هدف تمامی امپریالیستهای جهان است. انحصارات ژاپنی نیز همانند انحصارات آمریکا ژاپنی و ژاپنی هدفی جز غارت و چپاول کشورهای تحت سلطه و سهم بیشتر از این چپاول و غارتگری ندارند.

بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی در جهت درد سست گرفتن استکار عمل در جنگ، تقویت ارتش و سپاه پاسداران، مسئله آتش بس و صلح و سرانجام نقش شورای عالی دفاع و تضعیف قدرت و موقعیت بنی صدر است. بنا بر این با توجه به آنچه که ذکر شد وظیفه نیروهای انقلابی است که با افشای ماهیت ارتجاعی جنگ دولتهای ایران و عراق و آگاه کردن توده ها، با توجه به چشم انداز بحران ناشی از جنگ فعلاً در میارزه توده ها علیه هرگونه ستمی، شرکت کرده از منافع آنها دفاع نکنند و بی گیرانه در جهت شکل و تسلیح توده ها، بکوشند.

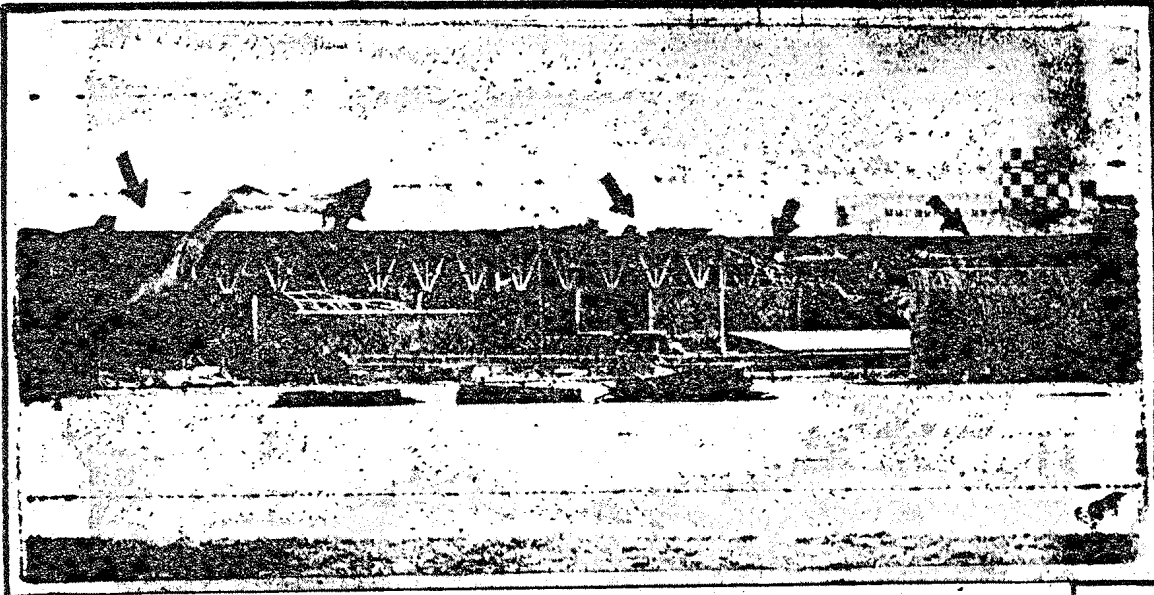


پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



کارکنان شرکت نوسازی هلیکوپتر و صنایع هواپیمائی

قربانیان بیگناه جنگ!



یکی از انبارهای شرکت "نوسازی هلیکوپترهای ایران" که بدلیل بی توجهی و سنگ اندازی حامیان سرمایه داری، در تشکیل کمیته های مسلح، متشکل از تمامی زحمتکشانی که حاضر و قادر به دفاع از شرکت می باشند، مورد اصابت راکتهای متجاوزین عراقی قرار گرفت. این حادثه بیش از ۱۵ میلیون تومان خسارت، ۲ کشته و ۶ زخمی بجای گذاشت.

گردید که اگر این حمله در ساعت کار اداری انجام می گرفت و آژیرها برای یکبار هم که شده بموقع اعلام خطر کرده و کارکنان را به پناهگاه می فرستاد بینه احتمال قوی حدود هزار نفری که از آن محل بعنوان پناهگاه استفاده می کردند کشته می شدند. این خطر در شرکت صنایع هواپیمائی نیز که در نزدیک فرودگاه قرار دارد زندگی ۳ هزار نفر از کارکنان آنرا تهدید می کند چنانکه در حملات قبلی چند نفر از کارکنان زحمتکش این شرکت کشته و زخمی گردیدند. ولی علیرغم تمام اینها سرهنگ فکوری وزیر دفاع از اینکه بمنظور جلوگیری از تلفات احتمالی بمباران هواپیمائی بخشی از کارکنان به مرخصی رفته اند، عصبانی گردیده است، دستور داده است که تمام کارکنان صنایع هواپیمائی از روز شنبه ۱۹ مهر ماه سرکار حاضر شوند و یک ساعت هم به ساعت کارشان اضافه گردد. بی توجهی و سهل انگاری دست اندرکاران حکومتی در حفاظت از جان زحمتکشان این دوشهرت با رد بگرمایتهای آنها در برخورد با زندگی هزاران زحمتکش آشکار گردید است.

فرودگاه هونماز یا بگاه یک شکاری و نه از طرف افراد مسلحی که در شرکت بودند تیرگی شلیک نشد. شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپترهای ایران در جوار فرودگاه مهرآباد قرار گرفته و وجودی که مسئولین دولتی و ارگانهای داخلی شرکت از جمله مدیریت (وانجمن اسلامی) کاملاً واقف بودند که این شرکت به احتمال بسیار زیاد هدف بمباران هواپیمای عراقی قرار بگیرد نه تنها اقدامات ایمنی لازم را بعمل نیاورده، بلکه تا ساعت شش و نیم بعد از ظهر نیز بخشی از کارگران و کارمندان و تکنیسینها را در کارخانه نگه می داشتند. بدون اینکه پناهگاهی مطمئن وجود داشته باشد که کارکنان را در مقابل خطر بمباران آنها و ترکش آنها پس از انفجار حفاظت کند. سهل انگاری بی توجهی نسبت به جان کارگران که ناشی از ماهیت مسئولین هیئت حاکمه است یکی از علل این گونه تلفات می باشد. برای نمونه در آخریین حمله ای که در تاریخ دوشنبه ۱۴ مهر ماه صورت گرفت محلی که بعنوان پناهگاه در "خط پرواز" استفاده می شد با خاک یکسان

روز دوشنبه ۱۴ مهر ماه ساعت ۱۵:۰۵ دقیقه شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران که جنب فرودگاه مهرآباد قرار دارد مورد حمله هوایی ۳ فروند جنگنده بمب افکن متجاوز عراقی قرار گرفت. هواپیمایها در ارتفاع بسیار کم پرواز می کردند و راکت های بمب هایشان به قسمت های مختلف کارخانه از جمله انبارهای قطعات یدکی و مواد رنگرزی اصابت نمود و تلفات زیادی بجای گذاشت. راکتهائی نیز در خط پرواز و بخشهای دیگر ریخته شد که عمل نکردند. بطوریکه تا کنون روشن شده است در این بمباران ۲ تن از کارکنان این شرکت به شهادت رسیدند، که یکی از آنها راننده زحمتکش موتوری بنام آذروند بود که در اثر برخورد تیر آهن به شکمش کشته شد و دیگری یکی از کارمندان این شرکت بود که در میان شعله های آتش جان خود را از دست داد. در این حادثه ۶ نفر زخمی شده اند که ۳ نفرشان معالجه سرپائی شدند و بقیه در بیمارستان بستری می باشند. خسارات وارده به شرکت حدود ۱۵ میلیون تومان تخمین زده می شود علیرغم اینکه پرواز هواپیمایها در ارتفاع بسیار پائین صورت می گرفت ولی نه از



کارگران بافکار چیت تهران با اتحاد و همبستگی خود توطئه ازدیاد ساعت کار را درهم شکستند.

۱۲ ساعت در روز تعیین شده بود. کارگران از یکی از افراد شورا که عامل سرسپرده کارفرما است پرسیدند چرا اینطور شده و او گفت: "آقا جان جنگ شده دیکه، وضع اضطراری است، شما هم باید تولید را بالا ببرید" کارگران تصمیم گرفتند با مدیر عامل صحبت کنند. بهزیاد کردن ساعات کار اعتراض کردند و پیشنهاد دادند کارخانه در سه شیفت شش ساعته در شبانه روز کار کند. کارفرما گفت: "این غیرممکن است شش ساعت در روز برای من مسئولیت دارد. شما نباید کمتر از ۸ ساعت کار کنید" یکی از کارگران با چهره برافروخته که حاکی از خشمی عمیق نسبت به سرمایه داران بود گفت: "چطور ۱۲ ساعت کار کردن برای شما مسئولیت ندارد ولی شش ساعت کار کردن مسئولیت دارد". مدیر عامل نمایندگان کارگران را متهم کرد که فقط شما چند نفر هستید که لال می کنید. نمایندگان هم تمام کارگران را به جلواتاق مدیر عامل دعوت کردند مدیر عامل در مقابل اتحاد و همبستگی کارگران مجبور به عقب نشینی شد و پرسید "بالاخره چه پیشنهادی می کنید" یکی از کارگران عجولانه گفت "۶ ساعت در تمام هفته" فعلاً کارگران به ایمن میزان کار میکنند. تجربه موقتاً است که کارگران همواره در سایه اتحاد و همبستگی موفق بوده اند، پیروزی از آن کسانی است که با آگاهی به اتحاد و همبستگی دست میزنند.

روز شنبه ۵ مهر ماه نبوهی از کارگران صبح کارچیت تهران در سالن بزرگ کارخانه اجتماع کرده بودند. کارگران بعد از ظهر کار هم پس از تعویض لباس به آنها ملحق شدند. همگی پنج پیکان با هم صحبت میکردند. "چقدر کار میکنیم" در کارخانه های معمولی هم روزی ۱۲ ساعت نمیشود کار کرد. حالا ما با این وضع بدنیمان میتوانیم در قسمت بافندگی ۱۲ ساعت کار کنیم نه! غیرممکن است. کارگر دیگری میگفت: "اصلاً من همه فامیلم توی بافکاری هستند تا حالا سابقه نداشته کسی بتواند در قسمت بافندگی ۱۲ ساعت یکسره کار کند" میدونی چیه داداش! ما وضعمان از همه کارگرهای جاهای دیگر بدتره! مثلاً این بابا... چندین ساله اینجا اداره کار میکنه، چند روز پیش بهش گفتن باز نشسته ای بدون اینکه پولی بهش بدن حالا صبح تا شب تو کارخانه بقول خودش "تحصن کرده" ایمن آینه ما ست. نه! ما دیگه نمیشه تحمل کرد! ۱۲ ساعت در روز! یا علی! کارگر دیگری میگفت: "این روزها ساعت شش هوا تا یکسره زن و بچه من میترسن کسی پیش او نماند. من نمیتونم شب و ایسم! سروصدا بالا گرفت، همه ما تبدیل به فریاد شد. استثمار آنها میخواست یکبار بیشتر شود ولی آخر چرا؟ بدیوارها بخشنا مهائسی از جانب مدیر عامل نصب کرده بودند که در آن ساعت کار "با در نظر گرفتن وضع اضطراری"

۱۲ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

جنگ و بهره برداری سرمایه داران از آن

بشیه از صفحه ۱

سرمایه داران وابسته کشورهای تحت سلطه و وابسته کلیه تولیدات آنان از نظر مواد اولیه و واسطه های صنایع مونتاز وابسته به کشورهای امپریالیستی است از این شرایط سودی جویند تا با دام زدن به احساسات ناسیونالیستی و طرح شعار "دفاع از میهن" کارگران به تولید هر چه بیشتر تشویق شده و جیب سرمایه داران داخلی و خارجی را انباشته سازند.

در جنگ اخیر نیز با چنین پدیده های روبرو هستیم.

از همان اولین ساعات جنگ، ما با تبلیغات وسیع سرمایه داران و نمایندگان آنها بتوسط ارگانهای مختلف آنان مواجهیم که کارگران را تشویق به افزایش تولید، افزایش بهره وری کار، افزایش ساعات کار و غیره می کنند. کم تر روزی بوده است که ارگانهای جناحهای مختلف حاکمیت (میزان، انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی و...) مطلب یا مطالبی در مدح و ثناى جنگ و لزوم افزایش تولید و بهره وری کار نوشته باشند.

می توان بجزایر گفت که مثلاً روزنامه جمهوری اسلامی هر روزه حداقل اعلامیه یکی از زوایان خود را (انجمن اسلامی یا شورای اسلامی زیر کنترل خود را) بچاپ میرساند و از افزایش ساعات کار، افزایش ساعات کار بدون دستمزد و یا کاهش روزها و ساعات تعطیل کارگران صحبت می کند. بعنوان نمونه می توان از اعلامیه شورای اسلامی کارکنان شرکت صنعتی آما و کارگران کارخانه قند اصفهان نام برد که بازای ۱۲ ساعت کار ۸ ساعت دستمزد میگیرند.

از دیگر نمونه های این تبلیغات مصاحبه های خیر و برصنایع و هادن آقای مهندس نعمت زاده است. همه کارگران مبارز از اقدامات ضد کارگری این وزیر کار قدیم در طول چند ماهی که تصدی این وزارت خانه را بر عهده داشت آگاهند و مزه مصوبات قانونی ایشان را چشیده اند. ایشان که در سال ۵۶ بنمایندگی از طرف کارفرمای کارخانه "ایتموس" با کارگران این کارخانه میز مذاکره جهت امضای قرارداد سود ویژه نشسته است در این مصاحبه چنان بدفاع از

کارفرمایان پرداخته و نشان داده است که هنوز هم نمایندگی آنان را در جبهه های دیگر (!) به عهده دارد.

وی در این مصاحبه گفته است: "... این جنگ تحمیلی از لحاظ اقتصادی پراز خیر و برکت برای ما است... " حقیقتاً هم که این جنگ برای بورژوازی و نمایندگان فکریش "پراز خیر و برکت" است و احتکار و تشدید جیب آنان سرازیر خواهد کرد. و مثلاً حداقل تاکنون چندین میلیارد تومان از خسارات حاصل از جنگ سود بردن و اندو یا از این ببعده با افزایش کارائی و احدهای مونتاز آنها آن واحدهائی که مورد نیاز کشور هستند، سود هر چه بیشتری به جیب امپریالیست ها خواهند ریخت و هم خود سهم بیشتری خواهند برد. ممکنست عده های از مصلحین (اپورتونیستها) هم صدابا نمایندگان سرمایه داران فریادشان بلند شود که بفرضا گسر استثماری کارگران تشدید شود، در این شرایط جنگ و کمبود، بایستی تولید واحدهای مورد نیاز کشور افزایش یابد تا فشار گرانی و کمبود برزحمتکشان کاهش یابد.

باید بگوئیم که ما هم می پذیریم که بایستی تولید صنایع مورد نیاز کشور افزایش یابد اما اولاً در صورتی که واقعا این تولیدات مورد نیاز کشور ما، آنهاست زحمتکشان باشند و نه سرمایه داران و کشورهای امپریالیست در حالیکه منظور آقای نعمت زاده از تولیدات مورد نیاز کشور، تلویزیون است که در حقیقت تولید مورد نیاز سرمایه داران ژاپن، آلمان و... است به گفته خود ایشان توجه کنید: "ما تنها باید کارائی (صنایع) را بالا ببریم. ما باید از واحدهای مونتازی که مورد نیاز کشور است مثل تلویزیون حمایت کنیم." ثانیاً این افزایش تولید در آن واحدهائی متمرکز باشد که ضمن تقویت استقلال کشور زیر کنترل و تحت اختیار و اداره کارگران باشد تا آنها خود جای درست مصرف آن تولید را تعیین کنند و در خدمت کارگران و زحمتکشان بمرصوفش برسانند. (که چنین وضعیتی در شرایط

کنونی وجود ندارد)

حال که نظرات وزیر صنایع و معادن دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح شد، بد نیست موضع لیبرالهای نهضت آزادی را در ارگان نشان میزان مورد بحث قرار دهیم.

این روزنامه در شماره شنبه ۱۲ مهر ماه مقاله ای تحت عنوان "اقتصاد ما و جنگ با عراق..." منتشر کرده و آینه ها امید بخشی را پس از فروکش نمودن جنگ کنونی ترسیم نموده است. همچنین در همان شماره مقاله ای بقلم آقای بازرگان نوشته شده که در هر دو مقاله نکات جالب توجهی بچشم می خورد. نویسنده مقاله "اقتصاد ما و جنگ با عراق" چنین می نویسد:

"اگر کارخانجات در هفته ها و ماههای گذشته محل برخورد عقاید گروهی و احیاناً تجمع و کم کاریها بود در عرض کارگران عبور و مسلمان ما طبق گزارشات رسیده، در حال حاضر اغلب به وظائف اصلی خود پی برده و بدون وقفه و با پشتکار و جدیت بیش از گذشته به تولید می پردازند و در تریزیدها اند."

بورژوازی تلویحاً می گوید این جنگ روحیه شونستی را چه خوب دام زدن و کارگران را به تولید بیشتر تشویق کرده است. بیوند برادران سرمایه داران و کارگران که ریز یونیست های ما نیز مشوق آن بودند چه خوب برقرار گشته و مبارزات کارگران برای تحقق خواسته هایشان بهر حال برای مدتی فروکش می کند.

سپس مقاله چنین ادامه میدهد: "... با پایان جنگ اثر مثبت در تثبیت وضع اقتصادی مملکت و به گردش در آمدن چرخه های اقتصادی در آنجا که این چرخه ها لنگ میزند داشته باشد. به همان دلائل گفته شد که کارگران و کارکنان کارخانجات و ادارات بدنبال آغاز جنگ به جدی بودن وظائف و مسئولیتهای خود پی برده اند و اثرات روانی جنگ آن است که بدون تردید امسور کارخانجات و ادارات، پس از پایان جنگ باید در جهت نوسازی، تولید بیشتر و کار بیشتر جریان یابد."

آنکا نویسنده بهر چی مقامات اشاره می کند که متخصصین را بر

کنار کرده اند و از دیگر ثمرات جنگ منتبش شدن این مسئولان مملکتی و بازگشت، مدیران متخصص را بر کار می دانند.

نویسنده به بشارت میدهد که این جنگ موجب تحرک چرخهای صنعت و وابسته ها شده و جیب سرمایه داران داخلی و خارجی به بهای استثماری کارگران و زحمتکشان دوباره انباشته خواهد شد.

هم اکنون شاهد آنیم که سیل لوازم یدکی و سایر تجهیزات نظامی بسوی ایران سرازیر شده است و فائده های جمهوری اسلامی در یکی از کشورهای عضو پیمان نا توی یعنی یونان (پیمان نظامی کشورهای امپریالیستی) به تعمیر و ترمیم مشغولند. و با توجه به این مسئله که فائده تنوم تنها پس از هر پرواز احتیاج به سرویس کامل و تعویض برخی لوازم یدکی دارد آیا مخارج سنگین آن بردوش چه اقشار و طبقاتی است؟ اما ببینیم آقای بازرگان از چمزا و ویسهای ثمرات جنگ را ریزایی می کند. نخست وزیر منتخب امام و عضو شورای انقلاب و نماینده کنونی مجلس، وجه دیگر قضیه یعنی تقویت ارتش را می بیند او می گوید: "قسمتی از عملیات موفقیت آمیز از اخلالکنان پاکسازی شده انجام دادند، معلوم شد که نیروهای پاکسازی برخلاف بمبهای آنها به هدفهای خطا فرستاده میشد است."

بازرگان که فرصتی مناسب بچنگ آورد و تا وابستگان به رژیم گذشته و کودتاچیان را که تربیت شدگان امپریالیسم آمریکا هستند از زندان بیرون کشد، تلاش می کند خدمات آنان را بر مردم زحمتکش ما در بکشد. در اینجا (لازم به توضیح است که روزنامه ما انقلاب اسلامی در روز شنبه ۱۲ مهر در سرمقاله خود همین مواضع را در مورد پاکسازی ارتش ناخدا ذکر کرده است) باید پرسید چگونه است که دولت جمهوری اسلامی همواره با یدمتکی به کودتاچیان و عناصر خود فروخته رژیم گذشته باشد. بعلاوه پرسنل انقلابی همواره در معرض اخراج و تصفیه بوده اند. دلیل این امر روشن است حاکمیتی که

می خواهد حافظ سرمایه و منافع سرمایه داران باشد، اسلما، نه می خواهد و نه می تواند به نیروی مردم و پرسنل انقلابی ارتش متکی باشد و یا به تربیت آنان همت گمارد. و از فرصتهای مناسب که روحیات تودهاها نیز بدلیل شرایط موجود اما دگی لازم را یافته همان مزدوران بسر کار فرآورده می شوند.

ما در تحلیل جنگ کنونی در سرمقاله کار ۲۸ بنیاید حاصل از جنگا شاره کرده و توضیح دادیم که این جنگ وابستگی به امپریالیستها را افزایش خواهد داد، ارتش را تقویت خواهد کرد، برآستانه زحمتکشان خواهد افزود و مخارج این جنگ تنها بردوش کارگران و زحمتکشان سنگینی خواهد نمود. و هم اکنون که چه جنگ با تمام نرسیده اما بهره برداری از آن آغاز گشته است برخی از کارخانها از جمله "آما" و کارخانقند اصفهان اعلام کرده که کارگران بازای ۱۲ ساعت کار ۸ ساعت حقوق میگیرند سیل تجهیزات نظامی به سوی ایران روان گشته. مزدوران رژیم گذشته بر سر کار برگشته اند و در بحبوحه جنگ مالیات حقوق ارتشیان با قید و فوریت در مجلس لغو گردیده است، سرکوب نیروهای انقلابی آغاز شده و حتی در جریان جنگ، انقلابیونی که در کنار زحمتکشان علیهارتش ضد خلقی و مزدور عراق به جنگ مشغولند بدستور آقای پرورش وکیل مجلس باید شناسائی و معرفی شوند. چنین نیز شده است (روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۷/۱۷ شماره ۵۵۵ ستگیری فدائیان در اهواز) اینست نتایج حاصل از جنگ که بورژوازی بخوبی مشغول بهره برداری از آن است و تمامی این مسائل یکبار دیگر گفته تلنبن را بیاد می آورد که می گفت: "تنگ نظران درک نمی کنند که جنگ ادامه میسازد است و بهمین اکتفا می کنند که بگویند دشمن، حمله می کند و یا دشمن به کشور هجوم آورده است بدون آنکه سؤال کنند جنگ برای چه هدفی و از جانب چه طبقاتی به منظور دست یابی به کدام هدف سیاسی صورت میگیرد. کاریکاتور از مارکسیسم"

با انگاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم



● چگونه "قهرمانان مبارزه ضد امپریالیستی"

● در برخورد با مسأله گروگانها (۲) ● دست همدیگر را رو می کنند!

بررسی مسأله گروگانهای آمریکائی در مجلس شورا مسأله بسیار ریادری رابطه با موضع سران دولت جمهوری اسلامی نسبت به امپریالیسم بر مبنای کرده و دست خلیها را رو کرد. آنوقتی که جناحی از حاکمیت با حربه گروگانگیری و تخفیر جا سوسخانه به پیش می تاخت و از اینطرف و آنطرف بصورت رقیب لیبرال خود می نواخت، برای لیبرالهای درون حاکمیت کمتر مجال مقابله وجود داشت ولی اکنون که آنها ناچارند دکان "جا سوسخانه" را به بندند و مسأله گروگانها را فیصله داده و به بازسازی روابط خود با آمریکا بپردازند لیبرالهای درون حاکمیت مجال یافته اند عرض وجود کرده و حتی رقیب را مورد حمله قرار دهند. در این وضع و احوال است که دکتر یزدی که پس از تسخیر سفارت موضع منفعل گرفته و با اصطلاح "گوشه عزلت گزیده بود" در مجلس شورا در دفاع از مذاکراتش با برژینسکی مشاوران منیتی کارتر داد سخن میدهد. او در روز ۲۷ شهریور به محض آنکه اسدالله بیات ذکری از قضیه برژینسکی بمیان می آورد ناگهان از جا می پرد و شروع به اعتراض کرده و بدفاع از اقدامات خود و ملاقات با برژینسکی می پردازد، کاری که از ترس رسوائی در مقابل مردم تاکنون جرئت آنرا نداشته و جالب است که آقای فرسناجانی رئیس مجلس هم با اجازه می دهد در میان سخنرانی بیبیات حرفهایش را بزند! دکتر یزدی و روبه رئیس مجلس که کرده و

میگوید: "اینکه هر کس بلند شود حرف بزند وظیفه شماست که جلوی ایشان را بگیرید و بما اجازه صحبت دهید." به سخنانش ادامه داده و میگوید: "همه ما صحبت از مکتب می کنیم. در کجای قرآن است که با خصم مذاکره نکنید؟ اگر قرآن و ائمه اطهار چنین کرده اند شما بفرمائید؟ اگر قبل از آن زمان (پیش از سفر الجزایر) اما دستور داده بودند نباید مذاکره کنید بله. اما آنچه که اما گفتند بعد از آن بوده است." با این ترتیب یزدی اصرارش بر اینست که حرکات او و مذاکره اش در همسوئی با سیاست شورای انقلاب و نظر آیت الله خمینی بوده است و خطائی مرتکب نشده است. او برای تاخیر در حرفهایش چنین اتخاذ میکند: "بعد از اینکه از الجزایر برگشتیم تمام جریانات را با اطلاع ملت رساندیم. تمام یادداشتها پیش هست. اما ما خط دولت موقت و شورای انقلاب آیا رهنمودی بوده است یا خیر؟ در تمام این موارد گزارش خود ما نزد دولت و شورای انقلاب دادیم." دکتر یزدی می خواهد ثابت کند که سیاست کل حاکمیت جز آنچه آنها انجام داده اند نبوده است و اعتراض میکند چرا قرار گرفته اند و دستش را بر سر قربانی شدند؟! در این میان یزدی موقع را مغتنم شمرده و ضمن توجیه حرکات خود و هماهنگی آنها با سیاست کل حاکمیت، پته یکی از "قهرمانان مبارزه ضد امپریالیستی" و دبیر شورای انقلاب را

روی آب می اندازد. او میگوید: "نماینده وزارت امور خارجه آمریکا آمده ایران - همان زمانی که غیر از وزیر خارجه خیلی کسان دیگری هم با او ملاقات کردند - شما به وزیر امور خارجه - تا نا اعتراض میکنید که چرا با یک دیپلمات خارجی ملاقات کرده ولی کسانیکه در مقام وزارت نبودند روی چه مجوزی ملاقات کردند. چطور اینها اجازه دارند با (این) مقامات صحبت کنند. (نمایندگان نام ببرید)" و یزدی ادامه میدهد: "هنری برگ به ایران آمده چه مجوزی بهشتی صحبت کرد. به چه مجوزی و را به قم بردند و با بعضی مدرسین ملاقات کرد. آیا آنها مسئول امور خارجه بودند؟ البته مردم مبارز ما میدانند که این اولین بار نیست که آقای بهشتی مبادرت به چنین ملاقاتها و مذاکرات "غیر رسمی" با نمایندگان امپریالیسم آمریکا میکند. ایشان همان طوریکه همه میدانند یکی از طرفهای مذاکره با ژنرال هویزرنما بوده آمریکا قبل از قیام بود. آخر ایشان در مورد این نوع مذاکرات و همچنین "مذاکرات از نوع دیگر!" تخصص و تجربه داشته و در این باره سابقه دار هستند!" اما دامنه این افشاگریها بهمین جا ختم نمیشود. در همین جلسه مجلس شورا هنگامیکه رئیس مجلس به یزدی اظهار میکند که وقتش تمام شده سید علی خامنه ای از یزدی می پرسد: "شورای انقلاب اولاً کی و طی چه حکمی به دکتر یزدی گفته بود با آمریکا کجدار و مریز رفتا رکند؟" در این موقع مهندس بازرگان نخست

وزیر دولت موقت و برگزیده اما به یاری یزدی آمده و میگوید: "به شخص من و دکتر یزدی امام فرمودند" و سپس بازرگان در تائید گفتارش مبنی بر اینکه سیاست خارجی آنها (دولت موقت) مورد تائید شورای انقلاب (که سران حزب جمهوری اسلامی در آن اکثریت داشتند) قرار داشت و هم چنین آیت الله خمینی نیز با سیاست آنها بخصوص در رابطه با مناسبات با آمریکا، موافق بود به "افشاگری" او میگوید: "سیاست خارجی کلی دولت در شورای انقلاب طی دو یا سه جلسه با حضور وزیر امور خارجه پس از آنکه در هیات وزیران مطرح و تدوین شد در شورای انقلاب مطرح گردید. ما بودیم که اصرار داشتیم جلسات طولانی باشد و مطالب گفته شود. حتی در گزارش دکتر یزدی تقسیم بندی شده بود: روابط خارجی با کشورهای مسلمان و روابط خارجی با کشورهای غیر متعهد و روابط خارجی با ابرقدرتها. صورت جلسه موجود است و بعد از اینکه من و توضیحات مختصری دادیم دیگر اعضای شورای انقلاب نظراتی بیان داشتند... هیچ ایرادی نداشتند و (گزارش دکتر یزدی) تصویب شده بود... با امام هم بهمین ترتیب و در مورد روابط با آمریکا دوبار با امام مطرح کردم. یکبار با هر دو وزیر وقت، کتیرائی و دکتر یزدی راجع به روابط آمریکا صحبت کردیم که ما احتیاجاتی داریم. سفارش قطعاً یکدیگر به آمریکا داده ایم. اسلحه های ما که چندین میلیارد دلار ارزش دارد

که نمیتوانیم از جاهای دیگر بیاوریم احتیاج مستمر به رسیدگی و تعمیر و به تعویض لوازم دارد. یگانهای متخصص این لوازم هم آنها هستند. چه کنیم آیا ما بکلی قطع رابطه کنیم. حتی قطعات و لوازم دیگر که قبلاً سفارش داده ایم و پولش را هم داده ایم و آنها شاید از خدا بخواهند که اینها را بما تحویل ندهند، نخواهیم و مطالبه نکنیم؟ امام فرمودند: "فعلاً احتیاج است اینکار را بکنید ولی با یاد افکار عمومی را برای ادامه روابط در این وضع محدود کرده کنید." در این موقع مهندس بازرگان برای اثبات سخنان ادامه میدهد: "اینرا به قید قسم میگویم. حال ممکن است بعضیها بگویند دروغ میگوی و امام این را نفرموده اند. این صحبتها با حضور وزیر دفاع تیمسار ریاحی و دیگران بوده که راجع به روابط با آمریکا خدمت ما رسیدیم و ما از ایشان برای مشکلاتی که در ارتش بود کسب اجازه کرده بودیم. پیش بینی حملات مفصل را می کردیم. این مسائل روشن بود و اینرا خدمت ایشان عرض کردیم." ما از اینکه یک چنین نقل قولی از مهندس بازرگان وارد می شود از خوانندگان پیوسته می طلبیم اما در عین حال باید حق داد که برای نشان دادن موضع دولت موقت و شورای انقلاب که به تائید آیت الله خمینی هم رسیده بود (یعنی موضع ارگان سازش) نقل چنین گفتار طولانی که حکم سند دارد، ضروری بود. بقیه در صفحه ۹

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

● با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، "کمیته مرکزی" از تعویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه به اینکه گسترش فعالیتها و هر سازمان انقلابی به کمکهای هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران میخواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخره کمکهای مالی خود را از راههای مطمئنی که میشناسند برای ما بفرستند.

الف	۲۵۰	۲۱۲۳	۲۰۳۳۳	۲۵۰	۲۱۲۳
ب	۱۰۱۲۳	۶۴۴	۲۹۲۸	۲۱۲۳	۲۱۲۳
ج	۲۶۰	ق	۱۰۵۰	۲۱۲۳	۲۱۲۳
د	۵۰۰۰	ک	۱۹۴۴	۲۷۲۷	۲۷۲۷
ه	۶۰۱	ل	۱۱۸۶	۵۳۱۹	۵۳۱۹
و	۱۳۱۰	م	۵۱۱۱	۲۱۷۵	۲۱۷۵
ز	۱۰۱۲۱	ن	۲۳۲۱	۱۲۰۱۲	۱۲۰۱۲
ح	۲۲۱۳	س	۱۰۱۲۰	۳۷۴۴	۳۷۴۴
ط	۲۰۱۰	ت	۱۰۴۴۴	۵۳۳۳	۵۳۳۳
ث	۴۰۸۴	ث	۵۸۸	۱۰۲۲۲	۱۰۲۲۲
ج	۲۰۱۹	ج	۶۳۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲
چ	۲۲۲۶	چ	۲۷۴	۲۷۴	۲۷۴
ح	۲۲۲۳	ح	۳۷۹	۱۰۱۰	۱۲۱۹
ط	۲۵۲۸۰	ط	پیشا هفتک	۴۰۷۴	۲۱۷۰
ق	۶۲۷	ق	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ک	۹۷۰۰	ک	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
گ	رفقای دکهدار	گ	۱۰۰۰۱	پیشا هفتک	۲۱۷۰
خ	رفقای بیابانه	خ	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
د	۱۱۱	د	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ر	رفقای اصفهان	ر	۱۰۰۰۱	پیشا هفتک	۲۱۷۰
ز	۴۰۰۰۰	ز	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
س	رفقای کنگاور ۳۰۰ تومان	س	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ی	رفقای شیراز ۵۰۰۰۰	ی	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ب	۱۷۲	ب	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
پ	۶۲۸	پ	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ت	۱۷۸	ت	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ث	رفقای خانه دارکاشی	ث	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ج	محله آمل ۵۵۰ تومان	ج	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ح	رفقای کاشی محله آمل	ح	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
خ	۶۵۰ تومان	خ	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
د	۱۰۵۰ - س آمل	د	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ر	رفیق مادر زجا بکسر	ر	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ز	آمل ۵۰۰۰	ز	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
س	رفقای قائم شهر	س	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ی	۳۱۰۵	ی	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ب	رفقای مشهد	ب	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
پ	۱۰۰۰۰	پ	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ت	۱۰۳۵۹ - ه	ت	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ث	۲۲۸۸۸ - ن	ث	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴
ج	رفقای فوجان	ج	۲۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۱	۳۷۹
ح	۴۰۰۰	ح	۲۱۲۴/۲	۱۵۱۲۵	۲۷۴

رفقای کاشی محله آمل ۶۵۰ تومان
رفقای کاشی محله آمل ۱۰۵۰ - س آمل
رفیق مادر زجا بکسر آمل ۵۰۰۰
رفقای قائم شهر ۳۱۰۵
رفقای مشهد ۱۰۰۰۰
۱۰۳۵۹ - ه
۲۲۸۸۸ - ن
رفقای فوجان ۴۰۰۰

اشکان ۲/۵ - س
۴۰۰ ریال
۳۰۹ - م
رفیق هدیه ۵۰۰ ریال
ابوزر ۵۰۰ ریال
علی ۱۵۰ ریال
رفقای پاریس ۲۰۰ - ف

اشکان ۲/۵ - س
۴۰۰ ریال
۳۰۹ - م
رفیق هدیه ۵۰۰ ریال
ابوزر ۵۰۰ ریال
علی ۱۵۰ ریال
رفقای پاریس ۲۰۰ - ف

اشکان ۲/۵ - س
۴۰۰ ریال
۳۰۹ - م
رفیق هدیه ۵۰۰ ریال
ابوزر ۵۰۰ ریال
علی ۱۵۰ ریال
رفقای پاریس ۲۰۰ - ف

شهردار تلاش و زحمت دکهداران را

"حرام" و "غیر اسلامی" می داند.

اما شهردار در برابر فریادهای دردناک دکهداران بیکار چنین پاسخ داد: "شما نان حرام می خورید از نظر شرعی و اسلامی حرام است چون شما معا بر عمومی را سد کرده به زیبایی شهر لطمه زده بودید، همچنین آن جاها را مرکز فساد و فحشا کرده بودید. آری این گوناخت. جناب شهردار که گرسنگی و بیکاری و بی خانمانی نکشیده معنی آنرا نمی داند، کار سخت و ناگزیر زحمتگزاران و بیکاران را "حرام" و "ضد اسلامی" و "غیر شرعی" می داند. باید از این "اسلامی ها" پرسید که در کجای اسلام و شرع، پهن کردن بساط و دکهدار بیکاران و گرسنگان حرام و غیر شرعی است، وقتی که آقای شهردار به مو عظمه مشغول بود، دکهداری باخشم و تنفر فریاد زد: "زیبائی شهر مهم است یا سیر شدن زن و بچه های ما، از این گذشته بروید از مردم بیسید که یاد که ها و بساط های ما مراکز فحشا و فساد بودند؟"

میزش بیرون بکشند و با او به گفتگو بپردازند. شهردار به محض دیدن دکهداران بیکار، گفت: "آقایان من وقت ندارم با شما صحبت کنم، من هر دقیقه که با شما صحبت کنم به ضرر مردم است (!) چون وقت من متعلق به مردم است باید در خدمت مردم باشم. (!) یکی از دکهداران گفت: "مگر ما مردم نیستیم؟! شهرداری آنکه پاسخی به دکهدار بدهد ادامه داد: "یک بودجه ۲ میلیون تومانی بود که برای شما در نظر گرفته بودم با چاه مشکلاتی، و حال حدود چند هزار تومان کسر بود چه آور دیم، دیگر من مسئول کار دادن نیستم، بروید وزارت کار. دکهداری گفت: "ما رفتیم وزارت کار ولی آنقدر تعداد بیکاران زیاد بود که دیگر برای ما جانی بود. اما شهردار که به انحاء گوناگون می کوشید تا "مراحت" دکهداران را از سر خود باز کند، بالفاظی و فریبکاری به دکهدارانی که مدتهاست در این شرایط گرانی و بحرانی بیکاری می کشند، گفت: "ما انقلاب کردیم باید با مشکلات بسازیم! خود ما کمبود بودجه داریم، در شهرداری یکریال حساب دارد، من فقط مسئول نظارت پاکسازی شهر هستم نه چیز دیگری!" یکی از دکهدارهای زحمتکش بی سواد گفت: "والله به خدا دیشب وقتی بمن گفتم دوباره بیکار شدم گریه کردم، آقای شهردار ما کار نداریم زن و بچه ها مون نان می خواهند."

دکهداران بیکار شده همچنان بین استانداری و شهرداری و وزارت کار سرگردانند. گروهی نیز که با برچیدن دکهدارانشان در شهرداری کاری کردند، بعد از دو ماه دوباره بیکار شدند. در پی برچیدن بساط ها و دکهدار تیرماه جاری که منجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن عده ای دیگر توسط سپاه پاسداران شد، شهرداری طرحهایی به اجرا گذارد که بموجب آن عده ای قلیلی از این بیکاران که می بایستت خرج گران خود و خانواده شان را تامین کنند، ناگزیر مشاغل و حرفه های پیشین هادی شهرداری را پذیرفتند و به کارهایی از قبیل، جمع آوری زباله، آب دادن درختها و پارکها و آسفالت کاری و رنگرزی و مکانیکی و... مشغول شدند. اما اخیرا شهرداری این عده را هم از کار برکنار کرد، زیرا مدت تعیین شده که دو ماه بود بسر آمد. بیست و پنجم شهریور این گروه از دکهداران که مدت دو ماه در شهرداری به کارهای فوق الذکر پرداخته بودند بنا بر تصمیم شهرداری بیکار شده بودند، به ساختمان شهرداری مراجعه کردند. ابتدا معاون شهرداری به مراجعه کنندگان گفت که شهرداری نمی تواند با شما صحبت کند، اما دکهداران که صراحت داشتند با خود شهرداری مسائل و مشکلاتشان را در میان بگذارند، با فشار و مقاومت توانستند شهرداری را از دفتر و پیشست

شهردار که دید دیگر نمیتواند با حرفهای خود دکهداران را فریب دهد و آرام سازد گفت حرف زدن با شما فایده ای ندارد و اجتماع دکهداران را ترک گفت و بدفتر و پشت میز خود خزید. اما دکهداران مضموم و بیگنرو با این قرار که بمبارزه ادامه دهند دوباره و دوباره به استانداری و وزارت کار مراجعه کنند شهرداری را ترک کردند. * * *

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.

اشکان ۲/۵ - س
۴۰۰ ریال
۳۰۹ - م
رفیق هدیه ۵۰۰ ریال
ابوزر ۵۰۰ ریال
علی ۱۵۰ ریال
رفقای پاریس ۲۰۰ - ف

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



رهنمودهائی به کانونهای تبلیغ

"بساطی ها"



رفقا! از نهنگام که بساط ها و دکه های فروش نشریات انقلابی به مثابه سنگرهای مقاومت در برابر سرکوب آزادیهای دموکراتیک توسط هیئت حاکمه و به منظور تلاش در جهت آگاه ساختن توده های مردم و دفاع از آزادی و حفظ دستاوردهای قیام در هرکوی و برزنی برپا شد، هیئت حاکمه به شیوه های گوناگون توسل جست تا شاید بتواند آنهارا برچید و اختناق و خفقان مورد نظرش را بر جامعه مستولی کند. منتهی بدلیل مقاومت و پیگیری قابل ستایش نیروهای انقلابی (چهره های هوادار سازمان و چه سایر نیروهای انقلابی) و حمایت توده های آگاه عملگرا، مقاصد ضد انقلابی خود را عملی سازد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با توجه به اهمیت و نقشی که این سنگرها میتواند در امر آگاه کردن توده ها، دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها و نیز زنده نگاه داشتن جو سیاسی جامعه بعهده داشته باشد از رفقای هوادار میخواهد که در جهت ایجاد و تقویت این سنگرها تلاش کرده و بتوانند تر وظيفه انقلابی خود را انجام دهند.



شاید کمتر رفیقی را بتوان یافت که به اهمیت تبلیغات عمومی و در دسترس قرار دادن روزنامه ها، کتابها، اعلامیه ها، پوسترها، نوارها و... سازمان در برپایی وسیع ترین توده ها واقف نباشد. منتهی انشعاب "کمیته مرکزی" و تاثیرات کوتاه مدت ناشی از این مساله، باعث شده که در بعضی زمینه ها از جمله سازماندهی رفقای بساطی

ضعف ها و کاستی هایی داشته باشیم. مادر این نوشته ها سعی می کنیم با ارائه رهنمودهائی که از گزارشات رفقا در این زمینه استخراج شده است، در جهت سازماندهی بهتر رفقای "بساطی" حرکت کنیم با این انتظار که رفقای "بساطی" این رهنموده ها را بکار برده، اصلاح و تکمیل کرده و غنای بیشتری به آن ببخشند.

۱- هر رفیق بساطی هوادار قبل از اینکه یک فروشنده نشریات باشد، معرف و مبلغ سازمان است. او با توده هواداران و مردم کوچه و بازار ارتباط نزدیک دارد. بنابراین:

الف - باید اولاً "هر رفیق بساطی حداقل از طریق مطالعه دقیق و عمیق روزنامه کار و نبرد خلق مواضع سیاسی - ایدئولوژیک و سیاسی تبلیغی سازمان را خیلی خوب درک کرده باشد و ثانیاً قادر باشد این مواضع را به زبان ساده و با مثال های متعدد برای مردم توضیح دهد. از طرف دیگر او باید با شناخت مواضع اپورتونیست ها - بویژه "کمیته مرکزی" - و تفاوت آن با مواضع سازمان، آنان را نزد توده ها آفشا کند.

ب - علاوه بر تسلط بر مسائل سیاسی - ایدئولوژیک و مسائل روز توده ها، شیوه و چگونگی برخورد رفقا نیز تاثير فوق العاده ای دارد. بنابراین باید در بحث ها صبور، خونسرد و مستدل باشند. علیرغم تلاش فالانزها برای عصبانی کردن ما، باید با آگاهی به این امر، متانت و خونسردی خود را حفظ کرده و مانع برخوردهای غیر اصولی شویم.

در برخورد با هواداران -

نیروهای دیگر - بویژه هواداران "کمیته مرکزی" - نباید با متلک و ونیش زبان که باعث موضع گیریهای غیر اصولی میشود با آنها برخورد کرد.

۲- گستردگی و چشمگیر بودن بساط اثر تبلیغی زیادی دارد. رفقای بساطی اغلب به این امر توجه ندارند. یک بساط محقر و کوچک بر راحتی دیده نمیشود و توجه عابری را جلب نمیکند بنا بر این لازم است:

الف - رفقا پوستره ها و تابلوهائی از شهدای سازمان در اختیار داشته باشند که بر بالای بساط شان نصب کنند. همراه با پوستره های شهدای گذشته سازمان، نصب پوستره های شهدای جدید سازمان (نظیر رفقا شونسند، توماچ، میرشکاریها...) نیز ضروری است.

ب - همه بساط ها - بویژه بساط های جنوب شهر و محله های زحمتکش نشین - باید اعلامیه ها و اوزالیدهائی در رابطه با مسائل مبرم روز مثل گرانی - بیکاری مسکن - حذف سود و یزف پاکسازی عناصر مترقی و... در کنار بساط شان نصب کنند.

رفقا تا زمانیکه از امکانات اوزالید برخوردار نیستند، باید سعی کنند، به انتخاب خودشان و با توجه به شرایط محیط، از مقالات کار و یا اعلامیه ها و تراکت های تبلیغی سازمان با مژیک درشت روی مقوای سفید نوشته و در کنار بساط شان نصب کنند.

ج - رفقا میتوانند اسناد و افشاگریهای اراکه انجام میگیرد نیز در کنار بساط شان نصب کنند.

د - نمایشگاه عکس خیابانی همراه با توضیحات در کنار بساطی ها اثر تبلیغی زیادی دارد. بنا بر این سعی میشود عکس های از جنایات

امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا، کشتار کردستان، حلبی آبادها (در مقایسه با کاخ ها) شهدا، قیام و... در اختیار رفقا گذاشته شود.

۳- مکان، جا و محله، بهین کردن بساط اهمیت زیادی دارد. بنا بر این:

الف - در جنوب شهر و محله های زحمتکش نشین بوجود بساطی نیاز زیادی احساس میشود. رفقا سعی کنند بیشتر در این محلات اقدام به باز کردن بساط نمایند.

برای ایجاد جو مناسب بساطی در محله های زحمتکش نشین بهتر است رفقا مدت یک دو هفته تا بلوهای در رابطه با مسائل روز بر سر چهارراه ها و مکان های شلوغ در بین مردم بگردانند. اینکار به سیاسی شدن جو خیلی کمک می کند.

ب - رفقا باید سعی کنند همواره در نزدیکی بساط دیگر نیروهای انقلابی اقدام به باز کردن بساط نمایند تا از همکاری و کمک یکدیگر برخوردار باشند و زمینه را برای گسترده تر کردن اتحاد عمل نیروهای انقلابی فراهم کنند.

ج - رفقا باید همواره در جاهای شلوغ اقدام به باز کردن بساطی نمایند مثل سرچهارراه های شلوغ، کنار میوه فروشی های بزرگ، کنار بازارها و بازارچه ها، کنار پارک ها، سینما ها و در نزدیکی مدارس.

۴- چگونگی اداره کردن بساط:

الف - یک رفیق به تنهائی قادر به اداره یک بساط نیست و لازم است همیشه حداقل سه نفر برای هر بساط در نظر گرفته شود. در محله های شلوغ و مناطقی که بیشتر در معرض هجوم هستند برای کنترل و اداره، یک بساطی گسترده و نسبتاً چشمگیر یا بیش از نفر هم لازم میشود. به - به تنهائی، مخصوصاً در میان فالانزها، وارد بحث نشود.

پیروز باشید

از یک خانه تیمی چریکهای فدائی خلق در اهواز:

مقادیر زیادی مهمات جنگی کشف و یک نفر دستگیر شد

اهواز - خبرنگار جمهوری اسلامی - صبح دیروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز به یک واحد مسکونی متعلق به چریکهای فدائی مشکوک شد و با حکم دادستانی خانه مزبور را مورد بازرسی قرار داد. در ابتدای ورود، ۳ تن از اعضای فدائیان خلق حاضر در محل بمحض مشاهده برادران پاسدار دست به فرار زدند که یک نفر از آنها دستگیر شد، در ادامه بازرسی این اشیاء کشف گردید:

مقادیر زیادی فشنگ های کلاشیکف، کلت و ۳ یک جعبه جاشی، مقداری خرج آر پی جی هفت و چند رقم نارنجک.

این هم نمونه دیگری از "مقابله با تجاوز عراق"!!

میرداندگان حتماً تبلیغات رژیم را در روزهای آغاز جنگ سراسری ایران و عراق بر علیه نیروهای انقلابی و به عمق روزنامه جمهوری اسلامی "حلفی ها" را باید دید. مضمون این نوع تبلیغات (که هنوز هم ادامه دارد) آن بود که اصطلاح "حلفی ها" در شرایط توده های مردم در جنوب و غرب کشور توسط ارتش عراق منل عام میشود، به جای شرکت در جنگ، به بحث های و شنفکرا به در سر چهارراه ها می پردازند!

آنچه که در این جا کلیشه شده، عین خیری است که در روزنامه جمهوری اسلامی (پنجشنبه ۱۷ مهرماه) درج شده است. این تنهائی که نمونه از مجموعه حرکت های ارتش و سپاه پاسداران نسبت به نیروهای رزمند و انقلابی بویژه در مناطق جنگ زد است. بر اساس گزارشات سازمانی از منطقه جنوب و غرب، نمونه های بسیاری از این دست وجود دارند که نشان دهنده آنست که رژیم را بر مردم می نمایانند.

تهدید به دستگیری دانش آموزان بخاطر افشای ماهیت جنگ!

اخراج معلمین انقلابی سراوان و ایرانشهر

در شرایطی که توده های محروم و وطنمان با مصائب ناشی از جنگ دست به گریبانند و نمیدانند چرا با بدبار جنگ را بدوش بکشند، چرا با یکدسته شوندها بین جنگ به نفع چه کسانی است در شرایطی که افشای ماهیت این جنگ تجا و زگرانه و تحمیلی یا دبرای توده ها افشا شوند و نیز در شرایطی که بیش از همیشه نیاز به اتحاد و همبستگی احساس میشود هنوز هم اعلامیه های نیروهای سیاسی پاره میشود و عناصرا فعال مورد شناسائی و تهدید قرار میگیرند.

دانش آموزان مدرسه پیشاهنگ، روز چهارم مهر، یعنی در اوج جنگ ایران و عراق، با حضور ما موران کمیته در مدرسه و تهدید به اخراج و دستگیری

روبروشدند. در این روز یکی از ناظم های مدرسه، اعلامیه های سازمانهای مترقی و انقلابی را که دانش آموزان در دست خود دارند را در حرکت مورد اعتراض قرار دادند. در این اقدام گرفتار شدند. محصلین شعار میدادند "فعالیت سیاسی برضد امپریالیسم آزادی بدگردد" و "فضای آموزشی از قید هراسناک آزادی بدگردد". بعد از مدتی شاگردان به کلاس رفتند ولی یک ربع بعد عده ای از دانش آموزان را که جزو فعالین سیاسی مدرسه و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی بودند بدفتر احضار کردند. در دفتر چهار ما موران کمیته بودند که یکی از آنها خود را ابتدا نماینده استانداری معرفی می کرد و از محصلین اسم و آدرس خواست بعد هم گفت با سادارها و ماشین ها

بیرون آمده اند. شش ماهین یا سادار خراج از مدرسه ایستاده بود. شما را بزندان وین میبریم، غذا بشما نمیدهیم تا قدرت منطق اسلام را بشما نشان بدهیم!

در همین حین شاگردان مدرسه جلو دفتر جمع شده بودند و شعار میدادند: "درود بر محصل مبارز" و یا "محصل مبارز آزادی بدگردد". کمیته چی ها تهدید میکردند که همه اینها را هم میگیریم میبریم!

بهر حال آنروز در مقابل فضا و محصلین و اتحاد و همبستگی آنها دوازه بفری که در معرض دستگیری قرار گرفته بودند آزاد شدند و میان سایر محصلین رفتند این دانش آموزان یکبار دیگر در تجربه دریا فتند که تنها با ایستادگی و اتحاد میتوانند به اهداف خود دست یابند.

بسیست و شش نفر از معلمین مترقی و مبارز دبیرستانهای سراوان و ایرانشهر مشمول تصفیه کمیته پاکسازی جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در حالی که ساواک روسیای مثل براهوئی که حتی چند روز پس از سقوط رژیم اجازة نمیداد عکسهای شاه پایشین کشیده شود و همیشه درس شاه دوستی را رواج میداد، رئیس آموزش و پرورش است، در حالی که مرتجعینی چون میری و اکبری انقلابی شده اند.

در حالی که مولوی قمرالدین و مولوی شعرا محمد غلامان و وفادار شاه، نماینده مجلس

می شوند معلمین مترقی و مبارز که سالها با رژیم شاه دست و پنجه نرم کرده در شکنجه گاهها و زندان های رژیم از آرمای نهی زحمتکش دفاع نموده اند، به توصیه و تاکید دست اندرکاران خراج می شوند.

در تاریخ دهم شهریور ماه میتینگ در محل چهار راه بلوار ایرانشهر به پشتیبانی از خواستهای حق طلبانه معلمین اخراجی و بدعوت کانون معلمین (مترقی - اخراجی) تشکیل شد که شرکت کنندگان خواهان لغو احکام ارتجاعی کمیته پاکسازی شدند.

پیام دانش آموزان پیشگام مشهد

بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

جنبش دانش آموزی در رابطه با مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران در جهت مبارزه با امپریالیسم و پایگاه داخلیش نقش ارزنده ای را دارا است و اکنون که برای دومین بار پس از قیام خونین بهمن به مدارس بازمی گردیم شاهد یورش بیش از پیش و دوباره حاکمیت به دستاوردهای قیام تاریخی بهمن که از آن جمله آزادیهای دموکراتیک که ضامن پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک هستند، روبرو هستیم.

هیئت حاکمه با شیوه های گوناگون از جمله منطفق های کردن مدارس، تعهد نامه ثبت نام و غیره سعی در از هم پاشیدن سازمانهای دموکراتیک دانش آموزی که از درون قیام برخاسته است دارند. اخراج و "پاکسازی" مدارس از نیروهای انقلابی و حتی به شهادت رساندن دانش آموزان و معلمان مبارز (ونداد ایمانی - گرجی بیانی - آخوندی - جنتی و امیراحمدی) نشانه هراس حاکمیت از اوج گیری جنبش دانش آموزی است.

دوستان دانش آموز!

رژیم جمهوری اسلامی ایران با وضع مقررات جدید آموزشی سعی در سرکوب نیروهای انقلابی در مراکز آموزشی و نابود کردن شکل های دموکراتیک دانش آموزی را دارد در وهله اول با اخراج دانش آموزان انقلابی تحت عنوان تصفیه و پاکسازی ضد انقلابیون!! و بعد با مقررات جدید آموزشی (تعهد نامه ثبت نام، منطفق های کردن مدارس شهریه و...) که گامی در جهت سرکوب جنبش دانش آموزی و خدمت به امپریالیسم و پایگاه داخلیش می باشد. تعهد نامه امیرا میتوان چنین خلاصه کرد. فعالیت سیاسی - صنفی مختص انجمن

دست پرورده حزب جمهوری اسلامی است، مدرسه قطعا محل فعالیت سیاسی نیست!، دخالت در امور مدرسه جایز نیست! و... و اما وظیفه دانش آموزان در قبال این مسئله چیست؟

بنظر ما دانش آموزان جدا از هر عقیده و مرام و مسلکی که دارند پیرامون منافع مشترک (سیاسی - صنفی) گرد یک سازمان دموکراتیک دانش آموزی جمع می شوند. عضویت توده های دانش آموز در این سازمانها اجبار پذیرش ایدئولوژی خاصی نیست اما هر جریان سیاسی باید در تبلیغ و ترویج سیاسی ایدئولوژی خود آزاد باشد.

هدف از ایجاد این صف بندی در درون این تشکلهای منزوی کردن نیروهای سازشکار و اصلاح طلب و ارتجاعی و پیشبرد سیاستی انقلابی و طبقاتی است بدین طریق که با ایجاد صف نیروهای مترقی و انقلابی با مبارزه ای پیگیر و مداوم و افشا گرانه علیه آنها توده دانش آموزان را از زیر نفوذ آنها خارج کنیم و هر چه بیشتر پایگاه توده ای را از آنها بگیریم زیرا آنها با اتکا بر این پایگاه توده ایست که مانع گسترش مبارزه طبقاتی در هر سه شکل (اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک) می شوند.

چگونه می توانیم حول یک سازمان دموکراتیک دانش آموزی متشکل شویم؟

دانش آموزان انقلابی با شرکت فعال خود در مسائل صنفی - سیاسی خود اقدام به تهیه یک اساسنامه میانشور که اعتقاد به آن محور وحدت در این سازمان دموکراتیک است می کنند.

دانش آموزان مبارز، معلمان انقلابی!

ما بعنوان قهرمانی از دریای بیکران و خروشان

توده های زحمتکش میهنمان سعی داریم با آغاز سال تحصیلی جدید در برخورد با حرکات گذشته خود و دیگر نیروهای انقلابی در جهت بالا بردن کیفیت جنبش دانش آموزی در پیکار بر علیه امپریالیسم و پایگاه داخلیش یعنی نظام سرمایه داری و وابسته گامی موثر برداریم.

رفقای دانش آموز!

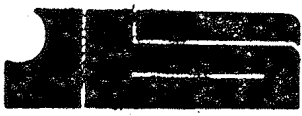
ما دانش آموزان پیشگام اعتقاد را سخ داریم که در سال تحصیلی جدید باید کلیه نیروهای انقلابی متحد و یکپارچه بر علیه حرکات سرکوبگران هیئت حاکمه که در جهت بازسازی سرمایه داری وابسته حرکت می کنند صدای اعتراض حق طلبانه خود را هر چه سارتر به گوش کارگران و زحمتکشان میهنمان برسانیم و به افشای ماهیت ارگانهای وابسته و دست پرورده آنها در مدارس (انجمن اسلامی و...) پرداخته و مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک دانش آموزان را هر چه بیشتر تعمیق بخشیم.

پرتوان باد پیوند جنبش دانش آموزی با جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران مستحکم باد پیوند جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای میهنمان با جنبش طبقه کارگر

با متشکل شدن در سازمانهای دموکراتیک توده ای جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای میهنمان را تعمیق بخشیم.

نا بود با دامپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش دانش آموزان پیشگام مشهد

۱۳۵۹/۷/۱



جنگ و تشدید جواختناق

در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری که پرسید: "الان عملاً احزاب سیاسی آزادیشان خیلی محدود شده است شما چطور توجیح میکنید؟" گفت: "این منشأ اش بیشتر موضع های افراطی خود این احزاب بوده است" در شرایط قبلی، یعنی وقتی که احزاب آزادی نثریات و آزادی اجتماعات نتوانستند خوب بهره برداری کنند، طبیعی است که ملت در برابر این بهره برداری ناجا از آزادیها بی که داشتند آرام نمی نشست امیدوارم که همه گروهها و احزاب این را در یاد بند که تنها چیزی که میتوانند بقای آزادیها را تامین کنند استفاده صحیح از آزادی هست." (روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۷ مهر)

اما مارکسیسم - لنینیسم و تجربه مبارزاتی طبقه کارگر و میلیونها تن از توده های زحمتکش سراسر جهان بیا آموخته است که احزاب و همینطور افراد را نه از روی حرفها و گفته ها نشان بلکه از روی رفتار سیاسی - شان مورد قضاوت قرار دهیم.

تجربه یکسال ونیم گذشته و مروری بر عملکرد های حزب جمهوری اسلامی پرده از روی جمله های پر دازی های دروغین آیت الله بهشتی بر میدارد. این تجربه نشان میدهد که حزب جمهوری اسلامی در حقیقت حزب سلب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها است این حزب سازمان دهنده ای باند های سیاه متشکل از لومین ها و چا توکشان حرفه ایست

مردم میهن مان بیشتر از پیش، شاید دیه های مزورانه سران حزب جمهوری اسلامی را که تحت عنوان "آزادیهای سیاسی" مطرح میشود، درک می کنند. توده ها بتدریج درک می کنند و در تجربه می آموزند که این نوع "آزادی سیاسی" فقط بدرد سرمایه داران و زمینداران می خورد و نه چیز دیگر. امروز وظیفه پیشروان طبقه کارگر و کلیه نیروهای مترقی میهن است که مبارزه برای دمکراسی را بمانند یکا مرمبرم و غیر قابل اجتناب و جزئی از برنامه و سیاست خود در قبال جنگ تلقی کنند. ناپیگیری و عدول از آن روی گرداندن از یک وظیفه اساسی انقلابی است که عواقب و نتایج پسر و خیمی را ببار خواهد آورد.

مورد نیاز توده ها در بار بار بود.

اما هیات حاکمه در ارگانهای تبلیغی خود بشکل مضحکی در پی آن بوده است که علت بوجود آمدن صف های طویل مردم راناشی از توطئه و دسیسه چینی "فدائیان خلق" و "مجاهدین خلق" و اسم شود سازد!

از هم اکنون روشن است که نتیجه جنگ هر چه باشد، سیاست هیات حاکمه تشدید جواختناق و از بین بردن آزادیهای سیاسی مردم است. این راحتی آیت الله بهشتی، دبیر کل حزب جمهوری اسلامی نیز با وقاحت تمام و بطرز عوام فریبانه در مصاحبه اخیر خود عنوان نموده است. او در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: "با توجه به جنگ ایران و عراق که سبب اتحاد بین گروهها در این جنگ شده است آیا با پایان گرفتن جنگ وضع اقلیت سیاسی تغییر خواهد کرد؟" یا خاتمه جنگ سبب آزادیهای بیشتری برای آنها میشود؟" یا کشور به سوی یک رادیکالیسم یا تک حزبی می رود؟" گفت: "کشور ما هیچگاه به سوی رادیکالیسم و رویه های تند افراطی و همچنین بسوی تک حزبی بودن نیاید هدایت شود چون در قانون اساسی ما تصریح کرده ایم به اینکه حزبی که قانون اساسی را رعایت کنند، آزاد هستند. بنا بر این نه مسئله تک حزبی بودن مطرح است و نه مسئله موضع گیریهای افراطی و هر نوع رادیکالیسم". وی سپس

از وقتی که جنگ بین دولت های ایران و عراق، بصورت یک جنگ همه جانبه آغاز شد، موج جدیدی از فشار و اختناق علیه نیروهای مترقی و انقلابی بر پا شد و هرگونه تجمع و بحث پیرامون جنگ، مورد هجوم و حمله نیروهای مرتجع و ضد انقلابی قرار گرفت. در این میان باند های سیاه و دستجات متشکل از اوپا شان و لومین ها که معمولاً توسط حزب جمهوری اسلامی سازماندهی و تجهیز می شوند، نقش عمده ای بر عهده گرفته اند. آنها که در همه جا از پشتیبانی کامل سپاه پاسداران و کمیته ها برخوردارند، به مراکز تجمع توده های درخیا بانها، به دهکده داران و کلیه کسانیکه نشریات، اعلامیه ها و تراکت های انقلابی را منتشر و پخش می کنند، وحشیانه تر از گذشته حمله ور می شوند.

پس از آغاز جنگ، انقلابیون باز داشت شده در کمیته ها و زندانهای مختلف، بیشتر از گذشته مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و زندانهای بی مراتب سنگین تری محکوم میگرددند. در واقع شرایط مذکور و سنگین تر شدن جواختناق بهیچوجه تصادفی نیست. هیات حاکمه از همان روزهای اول جنگ در صدد آن بود که از شرایط جدید بیشتر استفاده را در جهت از بین بردن آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها، ببرد. جنگ با آنها این فرصت را داده بود که با برانگیختن احساسات توده های نا آگاه از یکسو و تضادهای عمیق درونی خود را که تا پیش از جنگ به مرحله جاری رسیده بود، پوشانده و از سوی دیگر، تا حد ممکن، فعالیت سیاسی سازمانها و جریانهای مترقی و انقلابی را منکوب نمایند. بعنوان نمونه صف های طویل مردم برای خرید ما یحتاج زندگی و کالاهای مصرفی را در اولین روزهای جنگ بخاطر آورید. این وضع اولاً "نشان دهنده آن بود که مردم هیچ اطمینان و اعتمادی به حکومت در تمام این نیازمندی های اولیه زندگی خود ندارند. توده ها درک کرده اند که تحت حکومت جمهوری اسلامی هرگز مدر شرایط جنگ وادامتان، این تنها سرمایه داران و تجار هستند که بوسیله لای بردن قیمت کالاهای و احتکار ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم سود های کلان می برند و تانیا "نشان کمبود کالا و ارزاق

چگونه قهرمانان مبارزه...

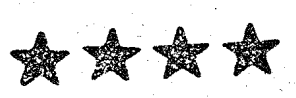
وقتی آقا یا زرگان با فید قسم میگوید که شورای انقلاب و شخص آیت الله خمینی با ادا مهر و ابیط با آمریکا موافق بوده اند و حتی سفارش میکنند که "افکار عمومی را برای ادا مهر و ابیط آماده کنید" نشان دهنده این است که حاکمیت در کل اعم از لیبرالها یعنی نظیر بازرگان، یزدی و امیرانتظام و قطب زاده رهبران حزب جمهوری اسلامی که در شورای انقلاب بودند نظیر بهشتی و رفسنجانی و حتی آیت الله خمینی با ادا مهر و ابیط با آمریکا بنحوی که در جریان بود موافق بوده و هستند. این گفتار میرساند که همه آنها با ادا مهر و ابیط و استکبارتشی با آمریکا از نظر جنگ افزار و متخصص تصدیق داشتند (واکنش هم دارند) و جریان حل مسئله گروگانگیری و بازسازی روابط با آمریکا که عقده ما تش با ارسال نامه نمایندگان مجلس و پیام آیت الله خمینی و انتخاب هیئت انگری در مجلس شورا وارد مرحله جدیدی شده است، با ثبات خواهد رسید. حال چطور شد که ناگهان ملاقات با برژنیسکی پیراهن

عشان میشود و پس از آن حملات بدولت موقت و لیبرال آغاز میگردد و پس از تسخیر جا سوخانه آنان بزیر کشیده میشوند و بصورت خدمتگزار روزانده رهبران حزب جمهوری اسلامی در میآیند مسئله ایست که پاسخ ما در تحلیل است که در روابط با آمریکا در نظربرد خلق منتشر کردیم، داده ایم. در این تحلیل ما نشان دادیم که چگونه جناح غیر لیبرال حاکمیت برای جلوگیری از سقوط خود و تا مین هژمونی کامل در ارگان سازش و همچنین برسمیت شناخته شدن از طرف آمریکا و گرفتن امتیازات اقتصادی و سیاسی از این دولت، دست بچنین حرکتی زد. و گرنه همه منظور یک عملگر در حاکمیت در کل

نشان میداد و سیر و قانع هر چه بیشتر برده ها را با لای زدن "ایمن تهرمانان شعاری ضد امپریالیسم" و دون کیشوت هائی که با شمشیرهای چوبین تسخیر جا سوخانه و "گروگان گیری" "جنگ امپریالیسم آمریکا رفته اند در اساس روابط با امپریالیست ها و سرکرده آنها امپریالیسم آمریکا حرفی نداشته و معتقد با ادا مهر و ابیط سابق با محدودیتها نمیباشند اما در عین حال رشد و اعتدالی مبارزه طبقه ای، جناحهای مختلف هیئت حاکمه را وادار میکنند که برای تا مین هژمونی خویش بسرو کله همدیگر کوبیده و در حالیکه در استثمای روسرکوب خلق با هم وحدت نظر و عمل

دارند، در چارچوب "بمک خانگی" دست بکنند و را رو کرده "با فشاگری علیه همدیگر دست بزنند. در این میان توده ها با شناخت هر چه بیشتر ما هیئت این "رهبران" و "قهرمانان راه" بهروزی خویش را گه مبارزه قاطع برای قطع کامل نفوذ امپریالیسم که در گرو نابودی سرمایه داری وابسته است، هموار خواهد کرد.

بحث در اطراف مسئله گروگانها را در شماره های آینده ادامه خواهیم داد.



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

دریورش مالک و پاسداران و آخوند به روستای "پیشکلیجان"

یک زن و یک مرد در روستائی کشته شدند

در هجوم وحشیانه مالک روستای "پیشکلیجان" که در سایه حمایت پاسداران و آخوندها به روستائیان زحمتکش صورت گرفت یک دهقان و یک زن کشته شدند.

پیشکلیجان از روستاهای بیلاتی رودبارگیلان است که در جنوب شرقی دیلمان قرار دارد. این روستا از چهار سو در احاطه کوههاست در این آبادی، قسمتی از زمین ها به چراگاه دامها اختصاص دارد. در گذشته

چراگاه در اختیار مالکی بنام "جان برادرش دوست" از سرسپردگان رژیم منفور پهلوی بود که در زمان شاه بنا گفته اهالی در شناسائی وردیا بی رفقای "تیمم جنگل" شرکت داشته است و بعد از این خوش خدمتی به رژیم توسط ساواک مسلح شد تا همچنان در منطقه به شناسائی و شکار انقلابیون بپردازد. بعد از قیام بهمن ماه روستائیان زحمتکش پیشکلیجان توانستند

حرکت یکپارچه خود چراگاه را از چنگ جان برادرش دوست در آورند. اما او برای اینکه بتواند دوباره بر چراگاه مسلط شود به آخوند ده بنام (سید میر آقا روشن دل) مراجعه کرد و با دادن رشوه او را با خود همراه کرد و با توافق او وارد شد. آخوند زکشا و رزاق محروم و رنج دیده خواست که نصف چراگاه را به "مالک" آن برگرداند اما اهالی ده که سالها ستم مالک را تحمل کرده بودند و دیگر نمی

خواستند تن به استعمار او بدهند با تمام قوا به درخواست آخوند پاسخ منفی دادند. روشن دل روستا را ترک کرد اما چند روز بعد با یک پاسدار بازگشت. پاسدار در ده مستقر شد و مدت هشت روز گوسفندان مالک را در مراتع میگرداند حتی گله را در مزارع زیر کشت کشا و رزاق زحمتکش میگرداند که موجب خشم و اعتراض مردم شد. مالک و روشن دل بدنبال راههای توطئه آمیز دیگری میگشتند تا اینکه روز شانزدهم شهریور اهالی این روستا برای شرکت در مراسم عروسی عازم ده دیگری شدند. در همین اثنا مالک و آخوند هم برای اینکه به اهالی روستای پیشکلیجان مدینه برسانند و هم اهالی دور روستا را نسبت به هم بدبین کنند با تحریک گروهی از مردم همان روستا بورش وسیعی را برده تان در پیشکلیجان آغاز کردند.

در این یورش که همراه تیراندازی پاسداران بود وضع روستا بهم ریخته همه با وحشت با این طرف و آن طرف میدویدند. در این هجوم زهیخ عملی خودداری نشد، از ضرب و جرح و غارت و زدنی تا تجاوز به زنان در این هجوم مغول وارد روستا، کشا و رزاق بنا (مهدی عطارپور) با گلوله پاسداران شهید شد و زن حمله ای نیز بر اثر سقوط جنین ناشی از وحشت جان سپرد.

در پی یورش و تجاوز مالک و آخوند پاسداران به روستائیان پیشکلیجان نماینده رودبار در مجلس شورای اسلامی به روستا رفت و از مردم خواست که این ماجرا را برای کسی بازگو نکنند! و نفری هزار تومان نیز به آسیب دیدگان و محرومان رشوه پیشنها کرد! اما اهالی با تنفروا نزار "هدیه" ثمانی بده مردم "راند کردند."

اعلامیه دفتر بوکان درباره جنگ ایران و عراق

تجاوزهای دولت بعث عراق در خاک میهن ما بمرحله بسیار حساس آشکاری رسیده است. در بیست و چهار ساعت گذشته درگیری بین دولت بعثی عراق و دولت جمهوری اسلامی در زمین، هوا و دریا آنچنان شدت پیدا کرده که در تاریخ درگیری های بین دو کشوری سابقه بوده است. در این بین هر کدام از دو دولت توسط دستگاههای تبلیغاتی شان خود را محق و مدافع منافع مردم و دیگری را جنگ طلب و تجاوزگر میدانند. اما آنچه آگاهی بدان برای کارگران و زحمتکشان ضروری است ریشه این درگیری هاست که ما بطور بسیار خلاصه بدان میپردازیم.

۱- دولت بعثی عراق ادعاهای مرزی بسیار نسبت به خاک ایران دارد در زمان شاه خائن دودولت توانستند به یک سازش موقتی دست یابند. اما بعثت منابع سرشار نفت و موقعیت استراتژیک در مناطق مورد ادعا همیشه امکان درگیری های حاد بین ایران و عراق وجود داشته بود. همچنین خصوصیات پان عربیسم دولت بعث عراق همیشه منشأ تجارزاتی از طرف آن نسبت به مناطق غرب ایران بوده و میباشد.

۲- بحران اقتصادی و سیاسی در عراق رو بر شدت، فشار روی نیروهای مترقی و انقلابی روز بروز بیشتر میشود همچنین دولت بعث عراق در یک درگیری مداوم با جبهه میهنی عراق بسمیردینا بر این کوشش میکند اذهان مردم عراق را متوجه جریاناتی از خارج مرزها بنماید از این روگاهی به سوریه، زمانی بایران و مواقعی با هر دو درگیری هائی بوجود میآورد.

۳- دولت عراق شدیداً مخالف گسترش نفوذ روحانیون در حاکمیت سیاسی است، دولت عراق روحانیون را تا آنجا تحمل میکند که از او تبعیت کنند و با بیطرف باشند. لذا در شرایطی که اکثریت روحانیون ایران بنحوی در قدرت ایران سهم داشته و مشوق تلاشهای روحانیون شیعه دولت عراق میباشد، دولت عراق خواه ناخواه به تلاشهای گسترده ای علیه دولت ایران دست خواهد زد. اجیر کردن مزدورانی برای خرابکاری در جنوب، ارسال اسلحه و امکانات برای مزدوران و نوکران امپریالیسم در سراسر ایران از جمله اقدامات ارتجاعی دولت بعث عراق میباشد.

۴- دولت عراق بخوبی از اوضاع بحرانی ایران باخبر است و میدانند دولت جمهوری اسلامی ایران قادر به پاسخ گوئی به نیازهای مردم نبوده و نیست. فشار روی نیروهای مترقی و انقلابی هر روز بیشتر میشود، فقر، خانه خرابی، تورم و گرانی هر روز دامنه گسترده تری می یابد. بنابراین دولت ارتجاعی عراق موقعیت را مناسب یافته میکوشد تا با تبلیغات عوام فریبانه خود را مدافع منافع مردم ایران جازده و اینطور وانمود سازد که گویا این دولت یک دوست مردم ایران میباشد در حالیکه مردم ایران هیچگاه کشتار مردم در کردستان عراق، اعدام انقلابیون و کمونیستهای عراق و... و نیز سازش دولت عراق با شاه خائن را فراموش نخواهند کرد و عوام فریبی های دولت بعثی عراق و مزدوران اجیر شده اش تاثیری بر مردم آگاه و بیدار ایران نخواهد داشت از طرف دیگر این درگیری ها هیچیک نمیتواند باعث شود که ما دولت ایران را ضدا امپریالیست و مدافع مردم بدانیم.

مردم مبارز ایران!

دولت جمهوری اسلامی در شرایطی که دولت عراق بخاک ایران تجاوز میکند بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای نظامی خود را در کردستان مستقر نموده و در شرایطی که دولت بعثی عراق و محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ در تدارک توطئه جدیدی در سراسر ایران هستند دولت جمهوری اسلامی فشار روی نیروهای مترقی و ضدا امپریالیست و مردم زحمتکش کردستان را افزایش داد ما ست و بدون شک این اقدامات گامهایی در جهت هموار کردن راه برای اجرای توطئه های امپریالیسم و محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ و مزدوران عراق در داخل میباشد، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بوکان - اقدامات تجاوزگران علیه دولت بعث عراق را نسبت به خاک میهن ما و همچنین اقدامات سرکوبگران دولت جمهوری اسلامی را علیه توده های زحمتکش خلق کرد و نیروهای انقلابی و مترقی محکوم نموده و تنهاراه جلوگیری از هر تجاوزی را اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی دانسته و معتقد است تسلیح توده های زحمتکش ضامن حفظ دستاوردهای قیام و جلوگیری از هر تجاوزی میباشد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی اش

نابود باد توطئه های محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم و مزدوران و عوامل بعث عراق

پیروز باد جنبش ضدا امپریالیستی خلق های ایران و عراق به رهبری طبقه کارگر

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بوکان

اول مهر ۱۳۵۹

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۲

ست. صحنهها انگیزه مقاومت خلق کرد را به وضوح نشان میدهد. ساعت ۲۰/۱۵ - دقیقه هفتاد و پنج روز به شهر شلیک می کنند. تاکنون یکی از پیشمرگان حزب دموکرات شهید شده است. یارش گرامی باد. تاکنون چند جاش دستگیر شده اند. تعداد شهدازن و بیجو پیر مرد و... حدوداً ده نفر است. ولی تعداد زخمی زیاد است. سیم برق بسیاری از مناطق قطع شده و جنگی تمام عیار همچنان ادامه دارد. در طول شب نبرد همراه با پرتاب نور افکن ها ادامه دارد. ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه از شدت درگیری کاسه شده و ساعت ۲۲/۳۰ دوباره اوج گرفت. این بار فانوم هم وارد میدان شده است. در تمام طول شب تیراندازی های شدید ادامه دارد پیشمرگان با سلاح سنگین به پادگان حمله کردند. تیراندازی شدید شبانه به تیراندازی های پراکنده صبحگاهی مبدل شده است.

۱۵۹/۶/۲۸ آرامش نسبی بر شهر مستولنی گشته است هر چند گاه تک تیراندازی ها و ورگبار مسلسل ها و صدای خمپاره ها مردم را بیشتر هوشیار نموده و سکوت موقتی را در هم می شکند. پیشمرگان در مساجد و منازل و مقرهای مخفی مستقر هستند. پیشمرگان برای جلوگیری از خطراتی که مردم را تهدید میکند و ویرانی زیاد تر شهر را احتیاطات کافی را بعمل آورده اند. طبق اظهار یکی از پیشمرگان تاکنون حدود ۱۷ نفر از مردم شهید و حدود ۸۰ نفر زخمی شده اند. از تلفات پاسداران و ارتش اطلاعی در دست ما نیست. امدادگران جوان و انقلابی همچنان در مساجد مستقر هستند. ساعت ۱۳ شهر همچنان حالت تشنج دارد و هنوز درگیری بوجود نیامده. با اسکورت هلیکوپترها بخشی از ستون مستقر در کوه مشرف به ارومیه با تانک و نفراتی از پادگان تعویض گردید. ساعت ۱۵/۳۰ دقیقه با آغاز تیراندازی و خمپاره باران دوباره درگیری شروع شد. این بار شدت درگیری تا اندازه ای بود که کوجه های شهر را بطور کلی خلوت نمود. جمعی از تلخ و خونبار است خمپاره ها پشت سر هم به مناطق مسکونی اصابت می کنند و افراد بیدفاع را به کام مرگ فرو می کنند. صدای نعره توپها و خمپاره ها و جودان بیداری را آگاه می کند و به مبارزه می طلبد. نیروهای سرکوبگر دولت جمهوری اسلامی که ضعف خود را در مقابل پیشمرگان به وضوح می بیند پی در پی شهر را می کوبد. ضجه و ناله کودکان همراه با فریاد دلخراش مادران در زیر غرش توپهای آمریکائی رژیم محومی شود. راستی دولت جمهوری اسلامی با اینکه همه جنایت چه فکر میکند. اگر آمریکا نتوانست ویتنام را نابود کند، اگر این تاکتیک ها نتوانستند خلقهای کوبا، عمان و ظفار را به تسلیم وادارند جمهوری اسلامی هم قادر به چنین کاری خواهد بود. ساعت ۱۷. تیراندازی های شدید همراه با غرش توپها و خمپاره ها ادامه دارد. پیشمرگان تاکنون چند بار پادگان را کوبیده اند. چند خمپاره ۱۲۰ میلیمتری به مقر سپاه پاسداران اصابت نموده که از میزان خسارات آن اطلاعی در دست نیست. هلیکوپترها چندین بار اطراف

مها با دزباراکت کوبیده اند که عده های در این حملات نا جوان مردان زخمی شده اند یک هلیکوپتر نظامی در "گوک تپه" به وسیله ورگبار ضد هوایی پیشمرگان سرنگون شد و یک جیب نظامی بوسیله پیشمرگان به غنیمت گرفته شده است. پادگان مها باد از ساعت شش بعد از ظهر ۱۵۹/۶/۲۸ تا صبح روز ۱۵۹/۶/۲۹ اعلام آتش بس نموده است ظاهر این آتش برای جلوگیری از حمله شبانه پیشمرگان صورت گرفته و جنبه ای جز عوامفریبی و پوشاندن چهره ضد خلقی ارتش و گذاشتن ماسک صلح طلبی ندارد. امروز یک جوان بیست ساله از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و حالش وخیم است. ساعت ۱۹ از مسجد سعیدی امدادگران تقاضای رسیدن آمبولانس حلال احمر نمودند متأسفانه این جوان بعد از چند ساعت بر اثر جراحات وارده شهید شد پاسداران و ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی حتی به آتش بس کدائی خودشان هم کوچکترین اهمیتی نمی دهند آتشی از پیشمرگان انتظار دارند چنین آتشی بسی رارعا عایت نمایند. یک خودرو که حامل مواد غذائی و

اخبار خوزستان

بقیه از صفحه ۱۲

پالایشگاه خاموش است. امروز صبح شهرداری را کوبیده اند. در تمامی خیابانها و محله های شهر، سکوت و غبار مرکب کاری شایه افکنده است. اغلب خانواده ها شهر را ترک کرده اند. به جز سنگرها و انومبیل هایی که افراد مسلح را حمل می کنند. جنبه ای دیگری در شهر مشاهده نمی شود. صدای شلیک گامو بیگاه توپخانه های ایران و عراق به گوش می رسد. امروز صبح توپخانه ایران مواضع عراق را کوبیده است. خرمشهر: شهر خلوت و خاموش است. تنها ترددات ها و کامیونهای نظامی و خودروهای حامل افراد مسلح دیده شده می شود. اما در

مسجد سید عدنان شور و هیجان کار و تلاش پشت جبهه، سنگینی غم و سکوت هراسناک و اندوه بار شهر را کاهش می دهد. در این مسجد مردم، غذای افراد جبهه را تهیه می کنند. سربازی که نگهبان این مسجد بود می گفت "دولت راست است نمی گوید، سانسور می کنند، واقعا عراقی ها آمده بودند توی شهر، گمرک را عارت کردند، اما مردم مقاومت کردند و توانستند با پشتیبانی که روزهای بعد از طرف ارتش انجام شد، عراقی ها را از شهر بیرون کنند، ولی الان هم طرف کمربند و بندر، خطرناک است". صدای شلیک های توپخانه، طرفین کماکان شهر را می لرزاند. تانکهای ایرانی در قسمتهای غربی و شمالی خرمشهر موضع گرفته اند. آتش توپخانه ای عراق بی وقفه به سوی خرمشهر ادامه

دارد. ساعت ۴/۵ - خرمشهر - پشت خط اول جبهه. تانکهای ایرانی در بیابانهای اطراف جاده خرمشهر - اهواز و حوالی پلیس راه خرمشهر مستقر شده اند. جلوتر از محل استقرار تانکها پیاده نظام قرار دارد، صدای رگبار مسلسل های پیاده نظام به گوش می رسد، یک نظامی می گوید پیاده نظام درگیر شده است. گلوله های خمپاره در اطراف تانکها به زمین می خورد. فرمانده یکی از تانکها می گفت نیروهای عراقی ناده، دوازده کیلومتری مرز عراق - سلمچه به عقب رانده شده اند. جادف های اصلی اهواز، خرمشهر، آبادان بسته است، زیرا تانکهای عراقی در حوالی این جاده مستقرند. از نزدیکی های غروب آتش

توپخانه عراق شدت گرفته و هر چه شب نزدیکتر می شود آتش توپخانه فرونی می کیسرد. در ساعت ۹ آتشبارهای ضد هوایی شلیک می کردند. کویا حملهای هوایی شده بود. خمپاره ها و گلوله های توپهای معروف به خمسف خمسه عراق مدام در داخل شهر آبادان و خرمشهر فرود می آیند، واحدهای مسکونی زیادی بر اثر آتش خمپاره ها و بران شد. آتش توپخانه های عراق به سوی خرمشهر و آبادان تا نزدیک صبح ادامه داشت. اهواز - شب هنوز آتش توپخانه عراقی ها بسوی شهر اهواز جریان دارد. اهواز - نوزدهم مهر: ساعت ۷ صبح یک فروند میک عراقی، بر فرار شهر اهواز کدست، ارتفاع این میک بسیار کم بود، صنایع فولاد

مهمات برای قوای دولتی بوده در داخل شهر مورد حمله پیشمرگان واقع شده و منهدم گردیده است. پادگان مها باد طی اطلاعیهای آتش بس میلی خود را ملغی و در آن - تجدید نظر نموده است و از طریق رادیو مها باد اهالی را تهدید می کند. رادیو مها باد در ساعت ۸/۳۰ شب از آمبولانسها برای جمع آوری اجساد چهاره مولوی استمداد می طلبد. پادگان تا فردا ساعت ۱۰ صبح به پیشمرگان مهلت داده با سلاحهای خود را تحویل دهند و تهدید کرده که در غیر این صورت با سدت شهر را سرکوب خواهد کرد. زهی وقاحت. گوئی تا حال از سرکوب مردم و کشتار اهالی بیدفاع کونا هسی نموده است. ساعت ۲۱ درگیری با سدت ادامه دارد. ۱۵۹/۶/۲۹ امروز حادثه ای جدا از حوادث دوروز گذشته اتفاق بیافته حدود ساعت ۱۰/۳۰ دو فروند فانوم بر فرار آسمان با صدای مهیب خود به پرواز درآمد و به ما نور می پردازند. خبرهای رسیده از انهدام یک تانک در کوه "داسامجید" خبر میدهد. تا ساعت ۱۵ امروز هیچگونه درگیری مهمی رخ نداده ولی صدای توپ و خمپاره ورگبار مسلسل پراکنده به گوش میرسد. ارتش و پاسداران که در "تپه قاضی" و "داسامجید" مستقر هستند به سوی کسانی که قصد خروج از شهر را دارند تیراندازی می کنند. در این جریان تاکنون تعدادی شهید و زخمی شده اند. ساعت ۱۶ تیراندازی شدید می شود و غرش توپها خانه های مردم را خراب میکند. ساعت ۱۷ ارتش ضد خلقی همچنان شهر را می کوبد. چند هلیکوپتر نظامی دقیق بر فراز شهر به ما نور پراخته اند، چنین می نماید که مهمات آورده است. صدای آتشی از تومبیل آتش نشانی به گوش میرسد. حدود ساعت ۱۸ باغ مصنوعی شهر مورد اصابت خمپاره پیشمرگان واقع شد. به فرار اطلاع چند جاش در این محل تجمع نموده بودند. حدود ساعت ۱۹ دقیقه درگیری شدت تازه ای گرفته. شدت آتش توپخانه یحیی است که شیشه های منازل را شکسته است. دبیرستان دخترانه "نیشتمان" بر اثر اصابت خمپاره آتش گرفته است. رادیو مها باد از آمبولانسهای حلال احمر برای جمع آوری زخمیهای موجود در ریل "یرغو" کمک می طلبد. درگیری در سطح شهر ادامه دارد و بیشتر در تپه قاضی متمرکز شده است. تا صبح نقاطی از شهر آتش گرفته و تلاش وسیعی برای خاموش کردن آتش شده است. روز ۱۵۹/۶/۳۰ سرکوبگران خلق کرد که دشمن همه خلقهای ایران هستند همچنان شهر را می کوبند. مردم با روحیه عالی مقاومت می کنند، اما امروز عصر آتش بس برقرار شد. ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه صبح روز دوشنبه ۱۵۹/۶/۳۱ اعلامیه شورای معتمدین مساجد در مورد آتش بس خوانده شد ولی هنوز معلوم نیست که آتش بس ناچه موقع ادامه یابد. این آتش بس دیری نپائید چرا که روزهای ۷ و ۵ مهر با هم با خمپاره و راکت مها باد را کوبیدند.

گزارش مربوط به روزهای ۱۷، ۱۸، ۱۹ شهریور ماه ۵۹: پاسداران و ارتش ضد خلقی به مدت ۷۲ ساعت شب و روز شهر و اطراف آنرا با انواع سلاحهای سنگین از زمین و هوا به آتش بسته اند. سلاحهایی که در این جریانات مورد مصرف ارتش و پاسداران ضد خلقی قرار گرفته عبارتند از: توپ ۱۰۶ میلیمتری - خمپاره ۶۰، ۸۱، ۱۲۰ میلیمتری - قزناسه، کالیبر ۵۰، توپ روی - تانک و انواع دیگر. همچنین هر روز بمدت چندین ساعت چهار فروند هلیکوپتر کبرا شهر را به راکت و گلوله های از نوع کالیبر ۷۵ و همچنین گلوله های آتش زا مورد حمله و حشیا نه فرار داده است. در اثر این نهادم چند ساختمان دولتی و شخصی به آتش کشیده شدند. از ساختمانهای ویران شده میتوان سیر و خورشید سرخ را نام برد. همچنین شیشه های ادارات شهرداری و اداره فند و چند رودخانهات و تمام بانکها و بنود در صد خانه های دولتی و شخصی شکسته شدند. روز اول در اثر حمله چند گوسفند و گاو بهلاکت رسیدند. در این حملات به استویه چهارده نفر از کودکان بین دوتاد ه ساله و مردان و زنان ۵۰ و ۶۰ ساله شهید و چند نفر بزرخمی شدند

اهواز را بیماران کرد و به سوی عراق بازگشت و پس از بیماران بود که رادیو اعلام وضعیت قرمز کرد. گفته می شود بر اثر این بیماران قسمتهای از صنایع فولاد منهدم شده و چند تن کشته و زخمی شده اند ولی خوشبختانه تلفات صنایع فولاد دیرعلت اینکه صبح بود و کارکنان نبودند کم بود. ساعت ۱۱/۳۰ صبح امروز محله زینون کارمندی توسط میک های عراقی به راکت بسته شد. در این بیماران، چند خانه به کلی ویران شد و در حدود ۲۴ تن کشته شدند به طوریکه اجساد به دلیل مملاشی شدن غیر قابل شناسائی بودند. چند انومبیل که از خیابان می گذشتند بر اثر انفجار راکت ها منهدم شده اند. از صبح، بطور مداوم صدای شلیک خمپاره شهر را

● اخبار و گزارشهای کردستان و خوزستان

● اخبار خوزستان

مردم اهواز روز بسیار پر اضطراب و نگران کننده‌ای را سپری کردند. هیچ‌کس هم مهر: بین راه اهواز و آبادان، قسمتی از خطوط لوله نفت بر اثر بمباران آتش گرفته در حال سوختن است. شلیک توپخانه عراق از چهل کیلومتری اهواز، بی‌وقفه ادامه دارد. کامیونهای حامل اثاث خانه در حالی که خانواده‌ها بر روی بارها نشسته‌اند، در جاده‌هایی که بسوی شهرهای دورتر استان خوزستان می‌رود، در گذرند. وحشت و نگرانی ساکنان شهرهای اهواز و خرمشهر و آبادان و دزفول از بابت جنگ بسیار زیاد است و اغلب خانواده‌هایی که امکان نقل مکان دارند، معطل نمی‌کنند و اثاثیه و بار و بنه را می‌بندند و خودشان را به شهرهای استانهای دیگر، می‌رانند. و آنها که در وحشت و اضطراب و زیر بمباران مداوم و وحشیانه هواپیماها و توپخانه‌های عراقی‌ها می‌مانند، زحمتکش‌ترین اقشار هستند. بعد از ظهر شهر آبادان سوت و کور است، دوروزی است که کمتر به آبادان حمله شده، آتش

هفدهم مهر - ساعت دوازده توپخانه‌های عراقی در دوراهی شوش، منفجر شدند. اما به کسی و جایی آسیب نرسید. در ساعت ۱ بعد از ظهر، هواپیماهای عراقی، ایستگاه راه آهن، انبار قیر و قند و شکر را بمباران کردند. در این بمباران در ایستگاه راه آهن و میدان راه آهن چند تن کشته و زخمی شدند. همچنین در محله‌های امانیه، چند اتومبیل بر اثر گلوله‌باران هواپیماها و توپخانه عراقی آتش گرفتند و چند تن نیز کشته شدند، دود غلیظی آسمان اهواز را پوشانده است. این دود از انفجار و آتش سوزی انبار قیر و نانکرها در نفتکش راه آهن است. از ساعت ۳ بعد از ظهر این روز، انبار مهمات پادگان لشکر ۹۲ زرهی اهواز، بر اثر بمباران هواپیماهای عراقی شروع به انفجار کرد و تا ساعت ۱۱/۳۰ - شب انفجارهای عظیم بطور پیایی ادامه داشت. مردم بسیار وحشت زده بودند، شیشه‌های منازل و مغازه‌های بسیاری خرد شد. و عده‌ی زیادی بر اثر ریزش شیشه‌بر سرورویشان مجروح شدند.

ما بکوبید و بگوید که ما کافریم!! تاریخ قضاوت خواهد کرد. ساعت ۱۳/۳۰ صدای تیراندازی گاهش می‌یابد. آرامش نسبی در شهر حکمفرماست ولی همه در انتظار شکست این سکوت هستند. بغیر از نقاطی از شهر از جمله فرمانداری، تلویزیون، مخابرات و میدان فوتبال، سایر مناطق در کنترل پیشمرگان قهرمان کرد است. غرش توپ و شلیک آنها به سمت مردم بیدفاع خیر از ضعف پاسداران و ارتشیان میدهد. در نزدیکی مسجد سوریکن و دخترش در منزلشان مورد اصابت گلوله خمپاره قرار گرفته و به شهادت رسیدند شوهر این زن نیز از ناحیه گلو زخمی شده و حالش رضایت بخش است. فانتوم و هلیکوپترهای رژیم تاکنون بدلیل وجود نیروهای ارتشی در نقاطی از شهر از انجام هرگونه عملی خودداری ورزیده‌اند. ارتشیان حتی از گلوله‌باران مناطق درمانی هم کوچکترین ابائی ندارند. رادیو مدام از پادگان درخواست میکند که از تیراندازی به این مناطق خودداری کنند. ساعت ۱۷/۳۵ دقیقه مجدداً صدای رگبار همراه با غرش توپها شروع می‌شود چند مسجد مورد اصابت گلوله توپ قرار گرفته است. ارتشیان مستقر در نقاط مختلف شهر و ارتفاعات اطراف هر چند به‌ای رگبار می‌بندند. چهار جوان در انتهای خیابان قاضی محمد هنگام عبور از عرض خیابان مورد اصابت رگبارهای ارتشیان قرار گرفته و زخمی شده‌اند - یک جاش در محله سرآسیاب که به ایست پیشمرگان توجه نکرد مورد اصابت گلوله کلت واقع شد و کشته شد. پیشمرگان از امروز ضرباتی به دشمن وارد آوردند. یک زره پوش جلوی فرمانداری توسط آر، پی، جی، ۷ منهدم شد. شهرسازان مبارز مقاومت، سرشار از تجربه، استقامت و فداکاریست. کمتر کسی است که با دیدن این صحنه‌ها قبول کند که این دولت خلقی

بقیه در صفحه ۱۱

رفقا، دوستان، هواداران

ارتباط با خوزستان و کردستان مشکل و با سختی برقرار میشود. بهمین دلیل نمیتوانیم اخبار و گزارشات دقیق و روزمره از این دو منطقه در اختیار شما بگذاریم. آنچه میخوانید خبرها و گزارشاتی است که در فواصل مختلف بدست ما رسیده است.

● اخبار کردستان

جنگ ایران و عراق هر روز با ایجاد تازه‌تری بخود میگیرد، اشکال خشن تر و وحشیانه‌تری پیدا میکند، هر روز با جنگ بردوش توده‌های محروم و زحمتکش سنگین تر میشود و میزان تلفات و خسارات بالاتر می‌رود. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بجای اینکه در این شرایط حساس همه نیروهای خود را متوجه دفاع از مرزهای ایران و حمایت از منافع توده‌ها کند و آنطور که ادعا میکند سرکوب کردستان را شدت بخشیده و نیروهای ضد خلقی ارتش خود را همچنان به کشتار خلق کردگماشته است.

آنچه میخوانید گزارشی است از ساعت بساعت جنگ شدید مهاباد در روزهای بیست و چهارم تا سی و یکم شهریور و نیز بمباران مهاباد در روزهای پنجم و هفتم مهرماه یعنی در بحبوحه جنگ ایران و عراق و در روزهایی که خوزستان نیز آتش رژیم یعنی عراق قرار داشت.

مهاباد - ۲۴ شهریورماه

بعد از ظهر امروز تانک و زرهپوش‌های دولتی در تپه‌قازی و ارتفاعات مشرف به ارومیه بدون درگیری مستقر شدند بدینال آن تفرزرها و زرهپوش‌ها از پادگان بیرون آمده و نقاط حساس شهر از جمله شورای نظامی حزب دمکرات، رادیو تلویزیون، خانه پیشاهنگی، مخابرات، میدان فوتبال و دانشسرای دخترانه مستقر گردیدند. پیش مرگان از هرگونه عکس‌العملی در مقابل ارتشیان خودداری ورزیدند. پاسداران و جاش‌ها تاکنون از ورود به شهر خودداری کرده‌اند. رفت و آمد در خیابان صورت نمیگیرد ولی بازار و مغازه‌ها بحالت تعطیل درآمده است.

پنجشنبه ۲۷ شهریور

آرامش قبل از توفان بر شهر حکمفرماست. صدای تک تیرهای دولتی گاه و بیگاه سکوت صبحگاهی شهر را میشکند. تیراندازی‌های پراکنده بی‌هدف، بدینال واژگون شدن یک ماشین ارتشی در میم بنزین، به رگبارهای پیاپی و غرش توپ‌ها تبدیل گردید. امدادگران در مساجد متمرکز هستند. در مسجد سعدی چند زخمی وجود دارد. رگبار مسلسل‌ها و غرش توپهای ارتش لحظه‌ای قطع نمیشود. آنان وحشیانه شهر را به توپ بسته‌اند. درگیری بدلیل ادیت و آزار مردم اطراف گمرک و خیابانهای اطراف هشت متری و تفتیش منازل مردم شروع شد. پاسداران قصد پیشروی داشتند که پیشمرگان مانع آنها شده و آنان را فرمانداری عقب راندند. توپ‌های آمریکائی دولت جمهوری اسلامی منازل مسکونی را هدف قرار داده‌اند رادیو مهاباد مرتباً برای جمع آوری زخمی‌های خیابان‌ها از آمبولانسهای حلال‌احمر و امدادگران یاری میجوید. میدان آرد بر اثر پرتاب خمپاره آتش گرفته و تلاش برای خاموش کردن آن هنوز ادامه دارد. در ساعت ۲/۵ ظهر دو منزل در حوالی مسجد داروغه و هشت متری آتش گرفته. رادیو امدادگران حلال‌احمر میخواند که به یک نانوایی در نزدیکی مدرسه فرهنگیان رفته و زخمیهای درون آن را به بیمارستان بفرستند. امدادگران جوان با وسایل اولیه تریقاتی به مدد اوای زخمیها مشغولند. ساعت ۱۲/۴۵ دقیقه رادیو مهاباد از آمبولانسهای حلال‌احمر برای جمع آوری زخمیهای مسجد عباس آباد یاری می‌طلبد. رادیو برق منطقه‌ای برای قطع برق محله مسجد داروغه استدادمی نماید. آتش مسجد داروغه به چند منزل مسکونی دیگر سرایت نموده است و این محله همچنان در آتش می‌سوزد. رادیو مهاباد از نیروگاه سد درخواست می‌کند با شرکت توانیر تماس بگیرد. نبردها بیشتر در مناطق چهارراه آزادی به بالا و فرمانداری و چند نقطه دیگر بالای شهر متمرکز شده است. تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها معلوم نیست. رادیو اهالی درخواست میکنند در صورت اشکال در امر برق با شماره تلفن ۳۰۳۱ تماس بگیرند و مدد اهالی را به قطع برق منازل دعوت میکنند. روحیه اهالی بطور کلی بسیار خوب است. مقاومت در روحیه مردم به وضوح متجلی است. هرکس به نحوی تیغ و نیزه را در خویشتن راز حکومت اعلام میدارد. مردم میگویند: بگذار دولت توپهایش را بر سرزن و بیچه‌های

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و

با نگاه خلیش